



وزیر دفاع امریکا:

وظیفه‌ی نخست ارتش افغانستان کاهش سرعت پیشروی طالبان است

اطلاعات روز: لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده‌ی امریکا گفته است که نیروهای امنیتی افغانستان در نخست باید از کاهش سرعت پیشروی طالبان مطمئن شوند.



صفحه ۲

خانواده‌های قربانیان جنگ در مالستان:
طالبان غیرنظامیان را رگبار و
اموال مردم را غارت کرده‌اند

صفحه ۲

مشاور امنیت ملی پاکستان:
هند در ۲۰ سال گذشته
افغانستان را پناهگاه
تروریسم ساخته است



صفحه ۲

مردمان غلطیده در خاک

صفحه ۳

چپین از آجندای خود برای
افغانستان پرده برداشت

صفحه ۴

روایت عید سرباز:

از تپه احمدبیگ تا دره غوربند

صفحه ۷

یادداشت روز

چرا کشورهای متحد افغانستان بد بازی می‌کنند؟

نمایندگان ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا و بریتانیا در نشست ۲۲ جولای در روم پایتخت ایتالیا که در خصوص پروسه صلح و عبور از بحران کنونی در افغانستان برگزار شد، خواستار برقراری آتش‌بس و توافق میان حکومت افغانستان و گروه طالبان روی جزئیات حکومت انتقالی شده‌اند. این نخستین بار است که متحدان و حامیان حکومت افغانستان درباره جزئیات روی شرایط گذار و دولت انتقالی سخن می‌گویند.

در اعلامیه پایانی این نشست آمده است که دستیابی به یک توافق سیاسی در مورد قانون اساسی، احتمالاً زمان‌بر است. بنابراین از دو طرف جنگ و صلح افغانستان خواسته‌اند که قبل از رسیدن به توافق سیاسی نهایی برای آینده افغانستان، فعلاً روی آتش‌بس سراسری و همه‌جانبه و همچنین روی جزئیات حکومت انتقالی فراگیر توافق کنند. در این اعلامیه آمده است که ساختار سیاسی دوره گذار یا حکومت انتقالی بایستی شرایط ذیل را دارا باشد...

۲

ترجمه ۴

سازمان همکاری شانگهای می‌تواند طالبان را رام کند

آن‌ها مراکز ولایات را محاصره، گذرگاه‌های مرزی حیاتی کشور را تصرف و در مناطق تحت کنترل خود قوانینی برای ممنوعیت استعمال دخانیات و ترارشیدن ریش وضع کرده‌اند. این گروه زنان را از بیرون شدن از خانه بدون یک محرم مرد منع کرده و همچنین به مولوی‌های مساجد در مناطق تحت تصرف خود دستور داده...

تحلیل ۵



فرضیه‌ی حاکمیت دینی طالبان؛ از واقعیت تا عمل

گروه طالبان از بدو شروع گفت‌وگوهای صلح، همیشه ادعا کرده‌اند که به دنبال ایجاد نظام اسلامی در افغانستان هستند. در این ادعا، این واقعیت پنهان وجود دارد که نظام فعلی، اسلامی نیست یا لاقلاً به باور آن‌ها این نظام از مشروعیت کافی دینی برخوردار نیست...

تحلیل

تذکره الکترونیک؛ اشتباهات کوچک، عامل دردسرهای بزرگ

همه افغان‌هایی که طعم مهاجرت را چشیده‌اند، تجربه‌های مشابهی از اشتباهات اداری و فردی را در کنسولگری و سفارت‌های افغانستان در بیرون از افغانستان در اسناد و مدارک هویتی‌شان دارند. اشتباهاتی به ظاهر ساده که بعدها آن‌ها را با چالش‌های بزرگ حقوقی مواجه ساخته است. به‌عنوان مثال دانشجویی به دلیل مغایرت تاریخ ولادت تذکره یا پاسپورتش با مدارک تحصیلی‌اش از بورسیه‌ای که با مشقت فراوان به دست آورده، محروم شده است. یا افرادی که می‌خواهند نکاح‌خط دریافت کنند نیز با چنین مشکلی برخورد کرده‌اند. این مسأله موجب شده تا افراد کلی زمان و هزینه صرف کنند تا مشکل به‌وجودآمده را حل کنند. بگذریم از این که این اشتباهات به ظاهر ساده موجب شد که فرایند فساد اداری و...

۳



بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



فراگیر و همه‌شمول باشد، حق مردم برای انتخاب زعیم محفوظ باشد، حقوق بشر شامل حقوق زنان، جوانان و اقلیت‌ها محفوظ باشد، تعهد برای مبارزه با تروریسم وجود داشته باشد.

خواسته‌های متحدان و حامیان حکومت افغانستان در حالی مطرح می‌شود که روند خروج نیروهای نظامی این کشورها از خاک افغانستان در حال تکمیل شده و یا هم در حال تکمیل شدن است. این کشورها در حالی برای آینده‌ی سیاسی افغانستان شرط وضع می‌کنند که گروه طالبان بیشتر از ۱۰۰ ولسوالی کشور را از کنترل نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان خارج کرده‌اند و بر بخش‌های زیادی از خاک افغانستان حاکمیت‌شان را گسترش داده‌اند. گروه طالبان حالا مدعی سرسخت پیروزی از طریق جنگ هستند و به هیچ صورت حاضر نیستند که به قول خودشان این «فتح‌الفتوح» را با دشمن‌اش تقسیم کنند.

کشورهای متحد سیاسی و حامی مالی و نظامی حکومت افغانستان در این شرایط بحرانی خواسته‌هایی را مطرح کرده‌اند که بدون شک برآیند آن چیزی نیست جز تکمیل پازل پیروزی گروه طالبان و همچنان شکست و فروپاشی حتمی ساختارهای سیاسی و نهادهای امنیتی افغانستان. چرا که در صورت طرح مسأله حکومت انتقالی آن‌هم در چنین وضعیت جنگی، نخستین بازخورد آن به نهادهای امنیتی و دفاعی افغانستان برمی‌گردد و این نهادها مشروعیت سیاسی و قانونی‌شان را از دست می‌دهند. درحالی‌که همین کشورهای حامی حکومت افغانستان با این توجیه از افغانستان خارج شدند که نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان می‌توانند وضعیت موجود جنگی را حفظ کنند و از پیشروی گروه طالبان جلوگیری کنند.

برعلاوه مسأله حکومت انتقالی یا حکومت گذار، طرح بحث برقراری آتش‌بس سراسری نیز موضوعی است که بایستی به آن توجه کرد. در شرایطی که گروه طالبان بخش‌های زیادی از خاک افغانستان را در کنترل خود آورده‌اند و با استفاده از تولید ترس و خلق خشونت‌های روزافزون که در نتیجه‌ی آن نیروهای امنیتی و دفاعی را در ولایت‌های مختلف وادار به عقب‌نشینی کرده‌اند، برقراری آتش‌بس سراسری به معنای تسلیم‌دهی اکثریت جغرافیای افغانستان به گروه طالبان است. بدیهی است که در جریان برقراری آتش‌بس سراسری، نه تنها این گروه دست از خشونت و خون‌ریزی برنخواهند داشت، بلکه همچون وضعیت فعلی که در بسیاری از ولسوالی‌ها قواعد و قوانین دمگ شرعی قرون وسطایی دوره امارت‌شان را پیاده کرده‌اند، در زمان برقراری آتش‌بس نیز تطبیق شریعت به شکل دوره امارت را در اولویت قرار خواهند داد و در عین حال، تلاش برای تجدید قوا خواهند کرد که در نهایت به تنگ‌تر شدن حلقه محاصره کلان‌شهرها خواهد انجامید.

با توجه به خواسته‌های کشورهای حامی حکومت افغانستان، بد نیست که به سخنان تلخ، اما نزدیک به واقعیت عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان مراجعه کنیم. خان در نشست تاشکند که با رئیس‌جمهور غنی در تقابل قرار گرفت، با نقد رویکرد نظامی ایالات متحده آمریکا در افغانستان، گفت «وقتی بیش از ۱۵۰ هزار نیروی ناتو و بزرگ‌ترین ماشین جنگی در افغانستان حضور داشتند، آن زمان مناسب برای گفت‌وگو با طالبان بود و از آن‌ها خواسته می‌شد که پای میز مذاکره بنشینند.» خان به صراحت گفت «چرا طالبان تن به سازش بدهند، درحالی‌که زمان خروج نیروهای خارجی تعیین شده؟ چرا آن‌ها به ما گوش بدهند وقتی احساس می‌کنند که پیروز می‌شوند؟» اگر اندکی احساسات را کنار بگذاریم و به واقعیت جاری در افغانستان فکر کنیم، به‌راستی چرا طالبان با حکومت فعلی مذاکره کند، در حالی می‌دانند با یک حلقه‌ی سه‌نفره در حکومت طرف هستند؟

اطلاعات روز: لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده‌ی آمریکا گفته است که نیروهای امنیتی افغانستان در نخست باید از کاهش سرعت پیش‌روی طالبان مطمئن شوند. به گزارش خبرگزاری رویترز، آقای آستین دو روز پیش (شنبه، ۲ اسد) در جریان دیدارش از ایالت آلاسکای آمریکا، به خبرنگاران گفته است که ارتش افغانستان پس از اطمینان از کاهش سرعت پیش‌روی طالبان، برای بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته اقدام کنند. با این حال، وزیر دفاع آمریکا گفته است که ارتش افغانستان در حال مستحکم‌کردن مواضع خود در مراکز جمعیتی مهم است.

او در مورد این که آیا این استراتژی جلوی پیش‌روی طالبان را خواهد گرفت یا نه، تأکید کرده است: «فکر می‌کنم اولی کاری که باید کرد اطمینان از کاهش سرعت حرکت آنها [طالبان] است.»

لوید آستین در عین حال گفته است که به باور او، نیروهای افغان توانایی و ظرفیت پیش‌روی را دارند، اما «باید ببینیم چه می‌شود.»

در تاریخ ۳۰ سرطان، جنرال مارک میلی، رییس ستاد ارتش آمریکا نیز گفته بود که جنگ‌جویان گروه طالبان بر حدود نیمی از مراکز ولایات افغانستان فشار وارد می‌کنند،

وظیفه‌ی نخست ارتش افغانستان کاهش سرعت پیش‌روی طالبان است

وزیر دفاع امریکا:

اما ارتش این کشور در حال مستحکم کردن نیروها برای حفاظت از مراکز مهم شهری است.

آقای میلی گفته بود: «آنها [نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان] رویکرد حفاظت از جمعیت را در پیش گرفته‌اند و بیشتر جمعیت در مراکز ولایت‌ها و پایتخت [کابل] زندگی می‌کنند.»

این درحالی است که به تازگی وزارت داخله‌ی افغانستان برای جلوگیری از نفوذ طالبان به شهرها، در ۳۱ ولایت قیود شب‌گردی وضع کرده است.

براساس مقررات وضع‌شده، شهروندان در ۳۱

ولایت حق ندارند از ساعت ده شب تا چهار صبح در شهر رفت‌وآمد کنند. ولایت‌های کابل، ننگرهار و پنجشیر از این مقررات مستثنی هستند.

گروه طالبان مدعی است که نزدیک به ۲۰۰ ولسوالی را تصرف کرده‌اند. نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان توانسته‌اند بیش از ۲۰ ولسوالی را از طالبان پس بگیرند.

همزمان با این، دولت افغانستان می‌گوید که حضور طالبان در مراکز شماری از ولسوالی‌ها به معنای کنترل کامل این گروه بر آن ولسوالی‌ها نیست و طالبان توانایی کنترل هیچ ولسوالی را در درازمدت ندارند.

مشاور امنیت ملی پاکستان: هند در ۲۰ سال گذشته افغانستان را پناهگاه تروریسم ساخته است

صراحت پاکستان را به تمویل تروریسم در منطقه متهم کرده است.

پس از آنکه ایالات متحده‌ی آمریکا توافق‌نامه‌ی آوردن صلح به افغانستان را امضا کرد و بر مبنای آن نیروهایش را از افغانستان خارج کرد، سازمان ملل متحد بارها اعلام کرد که هنوز رابطه‌ی گروه‌های تروریستی از جمله القاعده با این گروه قطع نشده است.

گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهد که طالبان به گروه‌های تروریستی پناه داده‌اند. این درحالی است که هسته‌ی رهبری طالبان در پاکستان بسر می‌برند.

سیاسی که منجر به صلح در افغانستان شود حمایت می‌کند.

آقای یوسف در پاسخ به این پرسش که اگر طالبان قدرت را با زور بگیرد، پاکستان حاکمیت طالبان را به رسمیت می‌شناسد یا خیر، گفته است: «ما خواهیم دید که واکنش جهان چه خواهد بود و مطابق به آن تصمیم خواهیم گرفت.»

مشاور امنیت ملی پاکستان درحالی هند را به تمویل تروریسم در افغانستان متهم می‌کند که خود پاکستان متهم اصلی تمویل تروریسم در افغانستان است. هم افغانستان و هم جامعه‌ی جهانی بارها با

که این کار هند برای پاکستان پذیرفتنی نیست و افغانستان نباید هیچگاه به پناهگاه تروریست‌ها مبدل شود.

یوسف در مورد پرسشی راجع به آینده افغانستان گفته است که پاکستان از هر تصمیمی که افغان‌ها در مورد آینده‌ی خود می‌گیرند، استقبال می‌کند.

او تأکید کرده است: «ما علایق مشخص و خطی که چه کسی به کجا برود نداریم. اگر هر کسی تلاش کند، از بیرون چیزی را تحمیل کند، کارگر نمی‌افتد.»

مشاور امنیت ملی پاکستان همچنین تأکید کرده است که کشورش از توافق

اطلاعات روز: مؤید یوسف، مشاور امنیت ملی پاکستان گفته است هند در ۲۰ سال گذشته افغانستان را به پناهگاه تروریسم تبدیل کرده تا از آن طریق تروریسم را به پاکستان بکشاند.

آقای یوسف دو روز پیش (شنبه، ۲ اسد) در مصاحبه با شبکه‌ی تلویزیونی «د وایر» که در هند نشرات دارد گفته است که هند افراد خود را در هیأت کارگرانی که برای توسعه کار می‌کنند به افغانستان می‌فرستد تا آنان از آن طریق تروریسم را به پاکستان بکشاند.

مشاور امنیت ملی پاکستان گفته است

خانواده‌های قربانیان جنگ در مالستان: طالبان غیرنظامیان را رگبار و اموال مردم را غارت کرده‌اند

گروه طالبان خواسته‌اند که از کشتار مردم، غارت خانه‌ها، دکان‌ها و زمین‌های زراعتی مردم دست بردارند.

در اعلامیه آمده است: «نهادهای کمک‌رسان و خیریه به بی‌جاشدگان، آوارگان و متضرران جنگ مالستان رسیدگی نموده و از گسترش فاجعه‌ی انسانی در این ولسوالی جلوگیری کنند.»

همچنین در این اعلامیه از نهادهای حقوق بشری ملی و بین‌المللی، به‌ویژه نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) خواسته شده است که جلوی اقدام طالبان برای کشتار غیرنظامیان در ولسوالی مالستان را گرفته و با در نظر داشت قوانین بین‌المللی و حقوق بشری، از گسترش دامه‌ی «جنایت جنگی» جلوگیری کنند.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

این درحالی است که حملات طالبان بر ولسوالی مالستان ولایت غزنی در ۱۹ سرطان آغاز و این گروه در ۲۲ سرطان مرکز این ولسوالی را تصرف کردند. پنج روز پس از آن، نیروهای امنیتی و دفاعی مرکز ولسوالی را از طالبان پس گرفتند اما از طرف شب این نیروها دوباره از مرکز ولسوالی عقب‌نشینی کردند.



خانه‌های‌شان را ترک کرده و در شرایط بد در مناطق همجوار مالستان و شهر کابل بی‌جا شده‌اند.

طبق اظهارات خانواده‌های قربانیان و آوارگان جنگ، حضور گسترده‌ی طالبان در ولسوالی مالستان باعث توقف خدمات دولتی، به‌ویژه رایه‌ی خدمات صحتی در شرایط سخت کرونایی شده است. آنان تأکید کردند که در حال حاضر آسیب‌دیدگان جنگ و آوارگان از دسترسی به هرگونه خدمات اولیه و صحتی محروم‌اند.

با این حال، خانواده‌های قربانیان و آوارگان جنگ ولسوالی مالستان از حکومت و نهادهای امنیتی خواستند که هرچه

گذرگاه مرزی تورغندی در هرات به‌روی کالاهای وارداتی باز شد

وارد گمرک تورغندی شود.

در همین حال، عبدالظاهر رحیمی، رییس اتحادیه خبازان هرات در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، از کمبود آرد در هرات به‌دلیل مسدود بودن گمرک تورغندی ابراز نگرانی کرد.

آقای رحیمی همچنین گفت که در حال حاضر بیشتر خبازی‌ها با کمبود آرد مواجه هستند.

بیش از دو هفته می‌شود که گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی زیر کنترل گروه طالبان قرار دارد. مقام‌های محلی هرات می‌گویند که عملیات پاک‌سازی این دو گمرک آغاز می‌شود.

اطلاعات روز - هرات: مسئولان در اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات می‌گویند که گذرگاه مرزی تورغندی در این ولایت به‌روی واردات کالا از ترکمنستان باز شده است.

محمدرفع رحمانی، آمر اجراییه این اتاق به روزنامه اطلاعات روز گفت که هم‌اکنون ۳۰۰ واگن گندم، نفت و کود کیمیاوی و ۱۰۰ موتر در پشت گمرک تورغندی متوقف هستند.

آقای رحمانی همچنین گفت که دیروز (یک‌شنبه، ۳ اسد) حدود ۱۵ موتر حامل نفت و گاز وارد نقطه صفری تورغندی شده‌اند. به‌گفته‌ی او، احتمالاً تا امروز بخشی دیگر از واگن‌های مواد نفتی، آرد و گندم

پولیس کابل اجساد تیرباران‌شده‌ی پنج نفر را در ولسوالی گلدره پیدا کرد

براساس این گزارش‌ها که هنوز از سوی پولیس کابل رسماً تأیید نشده، افراد مسلح جمعه‌شب در ساحه‌ی حاجی‌بیک ولسوالی شکرده با افزاز چک‌پاینت، این پنج نفر را از موتر پایین و سپس تیرباران کرده‌اند.

فرامرز در مورد هویت این افراد و این که از سوی چه کسانی تیرباران شده‌اند، چیزی نگفته است.

او تأکید کرده است که تیم مشترک امنیتی کار روی بررسی رویداد و شناسایی عاملان آن را آغاز کرده است.

تا کنون فرد یا گروهی مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است.

اطلاعات روز: پولیس کابل تأیید کرده است که اجساد پنج نفر از ساحه‌ی دشت ناصری ولسوالی گلدره‌ی این ولایت پیدا شده است.

فردوس فرامرز، سخن‌گوی فرماندهی پولیس کابل گفته است که این اجساد حوالی ساعت ۱۱:۰۰ پیش از ظهر دو روز پیش (شنبه، ۲ اسد) یافت شده است.

گفته شده است که این افراد در ولسوالی شکرده‌ی کابل تیرباران و اجسادشان در ولسوالی گلدره انداخته شده است.

گزارش‌هایی نیز وجود دارد که تعدادی از این افراد اعضای نیروهای امنیتی و دفاعی بوده‌اند.

فورم اصلی صفحه A4 که به صورت عمودی هست و تمام مشخصات افراد به تفصیل روی آن ذکر شده است در جدول مشخصات مثلا کسی که زبان دری را انتخاب می کند چنین جدولی باز می شود:

همان طور که در جدول مشاهده می شود، نام شخص به دری و انگلیسی باید جدا خانه پری شود و نام خانوادگی فرد نیز جدا و در قسمت نام پدر و نام جد نیز نام شان جدا و تخلص شان جدا خانه پری می شود. درج نام پدر و نام جد الزامی است، اما درج تخلص پدر و تخلص جد اختیاری است. همین امر سبب شده کسانی که قسمت نام تخلص پدر و تخلص جد را خانه پری نکرده باشند، تذکره الکترونیکی چاپ شده شان این مشکل را ندارند و بدون هیچ عیب و نقصی چاپ شده اند.

اما کسانی که حوصله مندی به خرج داده و دقیق تمام معلومات خواسته شده را ثبت کرده اند با این مشکل مواجهند. همین موضوع نیز به دو قسم چاپ شده است؛ بعضی افرادی که تخلص جدش را ثبت نکرده، فقط نام جدش چاپ شده است و کسانی که هم تخلص پدرش را ثبت کرده و هم تخلص جدش را، هر دو نام و نام خانوادگی شان روی تذکره چاپ شده است، درحالی که فورم دیجیتالی درج معلومات درست طراحی شده و هیچ عیب و نقصی در آن مشاهده نمی شود.

پرسش این است که دو اشتباه واضح و مهم چگونه وارد سیستم تذکره شده و چاپ می شود؟

نمونه که در قانون ضمیمه (۱) قانون تذکره الکترونیکی منتشره شده مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۵ در جریده رسمی آورده شده است کسی که آن نمونه را طراحی کرده دقت لازم را نداشته و نشان ملی منطبق با آنچه در قانون تعریف شده است، درج نکرده و بخش تخنیک هر دو مجلس نیز با بی دقتی همان را ضمیمه قانون کرده است.

در اشتباه دوم که نام خانوادگی همراه با نام پدر چاپ می شود، جدول معلومات فردی درست طراحی شده است. نمونه ای که چاپ می شود هم درست است. در جدولی دیگر که در آن تمام اعضای فامیل، نام و نام خانوادگی به همراه نام پدر و نام جدشان در آن درج می شود، ستون نام پدر دچار مشکل است و کارمندان که مشخصات افراد را نهایی می کنند و برای چاپ ارسال می کنند از همین قسمت دچار اشتباه می شوند. درحالی که اگر فورم که در صفحه A4 طراحی شده و یا نمونه را معیار قرار دهید، دچار چنین مشکلی نخواهد شد.

تکلیف تذکره های که چاپ شده، چه خواهد شد؟

به نظر می رسد موضوع نشان ملی هر چند مهم است اما پیامدی منفی برای اتباع کشور ندارد و دولت هر وقت اراده کند می تواند در یک فرصت مناسب آن را اصلاح کرده و به صورت مکرر چاپ کند. اما اشتباه دوم برای کسانی که تاکنون تذکره الکترونیک اخذ کرده اند و اسم پدر و برخی اسم پدر و اسم جدشان همراه با اسم خانوادگی چاپ شده، باید از زودترین فرصت ممکن با هزینه اداره ثبت احوال تجدید چاپ شود تا از مشکلاتی که در آینده برای شهروندان در جایی نامعلوم و زمانی حساس با آن مواجه خواهند شد و دسترسی به منابع دولتی برای اصلاح نداشته باشند، جلوگیری شود.

طلوع در محتوای نشان ملی ایرادی ایجاد نکند که متأسفانه چنین نیست. همان طور که از اسمش پیدا است نشان ملی باید دقیق منطبق با قانون باشد و این که نماد ملی به شکل متفاوت مثلا در پاسپورت به یک شکل و در تذکره الکترونیکی به شکل دیگری باشد عیب بزرگی محسوب می شود.

ایراد دوم ذکر تخلص پدر همراه با نامش هست. درست این است که در تذکره الکترونیکی ابتدا نام و تخلص (نام خانوادگی) افراد ذکر شود و در سطر بعدی نام پدر بیاید. در تذکره الکترونیکی نام پدر همراه با نام و تخلص چاپ می شود. مثلا نام شخص احمدفرید باشد و نام خانوادگی اش «نوری» و نام پدرش محمدنسیم. درستش این است که نوشته شود احمدفرید نوری ولد محمدنسیم اما در تذکره الکترونیکی احمدفرید نوری ولد محمدنسیم نوری چاپ می شود.

وقتی که این موضوع را با مسئول توزیع تذکره در میان گذاشتم، ایشان در پاسخ گفت: اشکالی ندارد در افغانستان نام خانوادگی مهم نیست. این که اسم پدر افراد همراه با نام خانوادگی چاپ شده است یک کلمه اضافه شده است و همه می فهمند که نام پدرش محمدنسیم است و عبارت بعدی (نوری) نام خانوادگی اش است. ولی واقعیت امر این است که اولاً چنین چیزی اشتباه است، چون وقتی نوشته شده است نام و تخلص و در خط بعدی ذکر نشده است نام و تخلص پدر، بلکه آمده است نام پدر. پس درستش این است که فقط نام پدر نوشته شود، نه این که نام پدر همراه با نام خانوادگی پدر یا هم و در کنار هم درج شود. دوم، این موضوع در آینده برای افراد شایسته دردرس ایجاد می کند؛ به طور مثال در اسناد تحصیلی که سابق صادر شده، نوشته است فلائی ولد محمدنسیم اما در تذکره اسم پدرش محمدنسیم نیست، بلکه محمدنسیم نوری است. و این تفاوت در اسم پدر یک نوع مغایرت اسمی در نام پدر را می رساند که باید هر چه سریع تر این مشکل رفع شود.

نکته قابل توجه این است که فورم تذکره الکترونیکی به صورت اینترنتی خانه پری می شود و هر کسی می تواند خودش خانه پری کند. در انتهای یک نمونه ای چاپ را نمایش می دهد و از افراد می خواهد نمونه ای تذکره خودش را بررسی کنند. در صفحه نمونه این مشکل وجود ندارد؛ یعنی وقتی نمونه پرینت گرفته شود، این نام ها در جای درست ثبت شده اند، اما در نسخه چاپی روی کارت پلی کاربونات تذکره الکترونیک احمدفرید نوری ولد محمدنسیم نوری چاپ شده است. نکته جالب این است که این مشکل برای همه نیست. در فورم دیجیتالی معلومات زیادی خواسته می شود از جمله در جاهای متعددی نام و نام خانوادگی پدر خواسته شده است. کسانی که نام خانوادگی پدر را ثبت نکرده اند این مشکل را ندارند، اما کسانی که نام خانوادگی پدر را ثبت کرده اند با این مشکل مواجه شده اند.

پس از بررسی و نظارت در بخش تذکره های چاپ شده برای توزیع، متوجه شدم که نصف بیشتر تذکره های چاپ شده چنین مشکلی را دارند. و اکثرا نام پدر به تنهایی چاپ نشده بود، بلکه نام پدر همراه با نام خانوادگی وی ذکر شده بودند. نکته سوم که باید مورد توجه قرار گیرد این است که در



تذکره الکترونیک؛

اشتباهات کوچک، عامل دردهای بزرگ

علی احمد حبیبی

همه افغان هایی که طعم مهاجرت را چشیده اند، تجربه های مشابهی از اشتباهات اداری و فردی را در کنسولگری و سفارت های افغانستان در بیرون از افغانستان در اسناد و مدارک هویتی شان دارند. اشتباهاتی به ظاهر ساده که بعدها آن ها را با چالش های بزرگ حقوقی مواجه ساخته است. به عنوان مثال دانشجوی به دلیل مغایرت تاریخ ولادت تذکره یا پاسپورتش با مدارک تحصیلی اش از بورسیه ای که با مشقت فراوان به دست آورده، محروم شده است. یا افرادی که می خواهند نکاح خط دریافت کنند نیز با چنین مشکلی برخورد کرده اند. این مسأله موجب شده تا افراد کلی زمان و هزینه صرف کنند تا مشکل به وجود آمده را حل کنند. بگذریم از این که این اشتباهات به ظاهر ساده موجب شد که فرایند فساد اداری و بازار کمیشن کاری نیز داغ تر شود.

دولت افغانستان اخیرا با طرح توزیع تذکره الکترونیک برای شهروندان ادعا کرده که بسیاری از این چالش های حقوقی با دریافت این کارت هوشمند حل خواهد شود. اما غافل از این که خود این پروژه نیز دچار مشکلات تخنیک است که عامل بسیاری از مشکلات برای آینده خواهد شد. تذکره الکترونیک دو مشکل عمده دارد. مشکل اول در نشان ملی افغانستان است. براساس قانون، طرز استفاده از بیرق، نشان ملی و سرود ملی، منتشره جریده رسمی مورخ ۱۳۹۵/۷/۲۷ در ماده ۶ فقره (۱) نشان ملی را چنین تعریف کرده است: «نشان ملی عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید که در دو گوشه ای آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لاله الاالله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع و ...» می باشد.

به لحاظ ترتیب ذکر شده در این قانون ابتدا عبارت شهادتین، سپس ذکر جلاله الله اکبر و پس از آن اشعه خورشید در حال طلوع آمده است. نشان ملی چاپ شده روی بیرق ها و سربرگ صفحه های وبسایت های نهادهای دولتی و وزارتخانه و پاسپورت های جدید به همین ترتیب است، اما در قسمت فوقانی وسط تذکره الکترونیک این ترتیب رعایت نشده است؛ کلمه الله اکبر بعد از اشعه خورشید در حال طلوع آمده است که به لحاظ قانونی اشتباه است. شاید به نظر برسد که یک جایجایی در ترتیب کلمه الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع وجود دارد. اما در واقع این ترتیب اشتباه است. به لحاظ ترتیب ذکر شده در این قانون ابتدا عبارت شهادتین، سپس ذکر جلاله الله اکبر و پس از آن اشعه خورشید در حال طلوع آمده است. نشان ملی چاپ شده روی بیرق ها و سربرگ صفحه های وبسایت های نهادهای دولتی و وزارتخانه و پاسپورت های جدید به همین ترتیب است، اما در قسمت فوقانی وسط تذکره الکترونیک این ترتیب رعایت نشده است؛ کلمه الله اکبر بعد از اشعه خورشید در حال طلوع آمده است که به لحاظ قانونی اشتباه است. شاید به نظر برسد که یک جایجایی در ترتیب کلمه الله اکبر و اشعه خورشید در حال

سهراب سروش

چند برابر انسان هایی که این روزها در جنگ به خون می غلطند، انسان های دیگری به دلیل تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم جنگ، در شهرها و خیابان ها به خاک می غلطند. این روزها در خیابان های کابل تقریبا در هر چند قدم یک انسان روی خاک دراز کشیده اند؛ درست مثل کسی که گلوله خورده باشد و افتاده باشد. در هر کوچه و پیاده رو چند نفری را افتاده خواهی دید؛ انسان های علیل و بی خانمان، مرد های پیر و مریض، آدم های لاغر و معتاد، انسان های درمانده و بیچار که از ننگ نمی توانند دستان شان را به گدایی دراز کنند، ناچار تمام بدن شان را پیش پای مردم دراز می کنند تا صورت شان مخفی بماند و آدم های خوشبخت تر شهر سکه ای در کلاه شان پرتاب کنند و بی نوایانی که سال ها و ماه ها در خیابان ها زاری و گدایی کرده اند، ولی چیز چندانی گیرش نیامده، سرانجام ذله شده و خود را روی زمین غلطانده تا شیرفهم کند که پایه های بقایش چقدر لرزان است.

به این آدم نگاه کنید؛ دور و بر ساعت ده بجای یک روز پس از عید، این مرد را در این حالت در کوته سنگی دیدم؛

تصویر (۱)

تصویر (۲)

تصویر (۳)

تصویر (۴)

تصویر (۵)

مردمان غلطیده در خاک

چندانی از هم ندارد، اما نمی شد به این یکی بیشتر دقت کرد. آدم را به یاد مادر بزرگ آدم می انداخت. اگر دیرتر نگاهش می کردی، عبارت های «مظلوم»، «تلف شده» ناخودآگاه بر زبانت بند می ماند و از چشمانت رها می شد. (تصویر ۲)

این بی نوا و بچه های ناشسته اش را در روز پنجم عید در خیابانی که از پل سرخ به سمت گولایی دواخانه می رود، کنار دروازه ای یک سوپر مارکت دیدم. گفت تازه دو هفته می شود که از قندوز به کابل آمده است، ولی به نظر من انگار از دوره های ماقبل تاریخ آمده بود؛ از وقت های که انسان ها در غارها آتش روشن می کردند. خاک و خاکستر از سر و صورت بچه های می بارید. گفت در قندوز نیز خانه نداشتیم و در خیابان ها خیرات جمع می کردیم. قصه های از قندوز بیان گر این بود که با حملات طالبان بر ولسوالی های قندوز اوضاع آنجا به حدی خراب شده که حتا برای گدایان در خیابان ها دیگر جا نمانده و او ناگزیر به کابل آواره شده است. برایش گفتم از زیر باران آمده ای زیر ناوه نشسته ای. بدون شک خنده اش نرفت. کودکانش اما بی خیال و خوشحال می خندیدند، چون نمی فهمیدند که

کابل نان

بدبخت ترین کودکان روی این زمین اند. (تصویر ۳) در این تصویر یک مرد کارگر را می بینید. او احتمالا صبح، پیش از طلوع آفتاب خود را به پل سرخ رسانده ولی تا چاشت، وقتی که من این عکس را از او گرفتم، کار گیر نیآورده است. با چند کارگر دیگر آمده بودند، در سایه ای یک ساختمان بلند... دیگران حلق خشک نشسته بودند و او سرش را روی یک بوتل خالی آب اتار گذاشته بود و خوابیده بود. بعید می دانم آن بوتل را خودش خالی کرده باشد. (تصویر ۴)

این معتاد را در خیابان کنار دریای کابل دیدم. بیخ ساقه ای یک درخت بی ثمر خوابیده بود. بهتر است بگویم غلطیده بود. بوی گندش در فضا بود و پشه های زیادی در اطرافش شلوغ کرده بودند. هر کس که از آن جا می گذشت، یا راهش را کج می کرد یا تفی دور می انداخت. شمار این مردمان بدبخت این روزها در کابل آن قدر رو به افزایش است که آدم دلواپس می شود، فاجعه های ناخوشایندی نظیر آنچه در سال های جنگ و قحطی در گذشته ها اتفاق افتاده، در آینده ی نزدیک در کابل رخ بدهد. (تصویر ۵) این جا کابل جان است.



سازمان همکاری شانگهای می‌تواند طالبان را رام کند

ایجاز وانی، بنیاد تحقیقات آبرور
مترجم: جلیل پژواک

با پایان عملیات‌های نظامی نیروهای امریکایی در افغانستان و آغاز روند خروج این نیروها، گروه طالبان تجدیدقوا کرده و با تصرف مناطق بیشتری از این کشور جنگ‌زده به دنبال بازپس‌گیری قدرت برآمده است. طالبان هم در مراکز قدرت سنتی خود در جنوب افغانستان و هم در ولسوالی‌های شمال کشور پیش‌روی‌هایی داشته‌اند. آن‌ها مراکز ولایات را محاصره، گذرگاه‌های مرزی حیاتی کشور را تصرف و در مناطق تحت کنترل خود قوانینی برای ممنوعیت استعمال دخانیات و تراشیدن ریش وضع کرده‌اند. این گروه زنان را از بیرون‌شدن از خانه بدون یک محرم مرد منع کرده و همچنین به مولوی‌های مساجد در مناطق تحت تصرف خود دستور داده است «لیستی از دختران بالای ۱۵ سال و زنان بیوه زیر ۴۵ سال را برای ازدواج با جنگ‌جویان طالبان» تهیه کنند.

تجدید قوای طالبان در افغانستان نتیجه‌ی سیاست ممانعت‌های ایالات متحده‌ی دوره ترمپ و جو بایدن و واگرایی منافع قدرت‌های منطقه‌ای در تعاملات‌شان با طالبان است. قدرت‌های منطقه‌ای می‌توانند تحت چتر سازمان همکاری شانگهای برای برقراری صلح و ثبات پایدار در همه کشورهای منطقه با هم کار کنند، به شرطی که اعضای آن بازی دوگانه خود را در افغانستان متوقف کنند.

قدرت‌های منطقه‌ای و طالبان

کشورهای منطقه‌ای که منافع ژئواستراتژیک، ژئواقتصادی و امنیتی‌شان در افغانستان با تهدید روبه‌روست، از زمانی که رییس‌جمهور بایدن خروج نظامی کامل ایالات متحده از افغانستان را اعلام کرده بر سر دوراهی قرار

گرفته‌اند. به استثنای هند، بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای به‌طور محرمانه با طالبان ملاقات کرده‌اند و برخی نیز از آن‌ها برای منافع جغرافیایی و استراتژیک خود در منطقه استفاده کرده‌اند. تهران و مسکو برای مثال به بهانه مهار گروه‌های وابسته به داعش در افغانستان، پس از سال ۲۰۱۹ اقدام به کمک به طالبان کردند. تهران و مسکو از گروه تروریستی طالبان برای تسویه حساب خود با ایالات متحده استفاده کردند. طالبان سفرهایی به تهران و مسکو داشته‌اند، با حکومت‌های مربوطه گفت‌وگو کرده‌اند و حتا مذاکرات بین‌الافغانی را در کشورهای مذکور برگزار کرده‌اند.

پاکستان از سال ۲۰۰۱ با حمایت از عملیات نظامی به رهبری امریکا و در کنار آن ارائه پناه‌گاه به طالبان، در خصوص افغانستان استراتژی دوگانه داشته است. دستگاه امنیتی پاکستان از سال ۲۰۰۲ به بعد با سرپازگیری و جمع‌آوری کمک‌های مالی از طریق گروه‌های مختلف دینی-مذهبی، به طالبان کمک کرده است. در ۱۶ جولای امسال رییس‌جمهور اشرف غنی در ازبکستان گفت که پاکستان روابط خود را با گروه‌های تروریستی قطع نکرده و طی یک ماه بیش از ۱۰ هزار جنگ‌جو از پاکستان وارد افغانستان شده‌اند. قبل از شروع روند صلح بین‌الافغانی، یک هیئت طالبان از دفتر سیاسی خود در قطر به رهبری ملا برادر به پاکستان سفر کردند. آن‌ها نشست‌هایی را با مقامات پاکستانی از جمله وزیر امور خارجه شاه محمود قریشی برگزار کردند. روابط بین طالبان و دستگاه امنیتی پاکستان هنگامی آشکارتر از گذشته شد که یک مقام دفتر سیاسی طالبان در قطر اذعان کرد که آی‌اس‌آی پاکستان در هر تصمیمی که از سوی این دفتر اتخاذ می‌شود، عمیقاً دخیل است.

دلایل کمک اسلام‌آباد به طالبان واضح است؛

پاکستان با توجه به حضور دیپلماتیک و تجاری هند در افغانستان و نقش دهلی‌نو به عنوان مهم‌ترین کمک‌کننده در بازسازی این کشور جنگ‌زده، احساس کرده به لحاظ استراتژیک بین افغانستان و هند محاصره می‌شود. درحالی‌که هند با توجه به جنگ نیابتی که در جامو و کشمیر علیه دهلی‌نو جریان دارد، پیوسته به عنوان تسهیل‌کننده صلح و توسعه اقتصادی مردم افغانستان ظاهر شده و از طالبان دوری جسته است، اما گزارش‌های اخیر می‌رساند که دهلی‌نو به تازگی و با توجه تغییر اوضاع امنیتی در افغانستان سعی کرده است با برخی از جناح‌های طالبان ارتباط برقرار کند.

از طرف دیگر، چین در خصوص افغانستان «رویکرد محدود» و «دیپلماسی خودمحور» در پیش داشته است. تعامل بیجینگ با طالبان به دهه ۱۹۹۰ بر می‌گردد، به زمانی که استان سین‌کیانگ در شمال‌غرب چین دچار ناآرامی شد. با توجه به تاریخ مورد مناقشه، تجزیه‌طلبی، افراط‌گرایی خشن و گرایش‌ها به گریز از مرکز، مسلمانان اویغوری سین‌کیانگ در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۷ دست به تحرکات ضدچین زدند که در «شورش بارن تاون» سال ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. لو شولین، سفیر وقت چین در پاکستان در سال ۲۰۰۰ با ملا عمر رهبر طالبان ملاقات کرد و از طالبان و سایر گروه‌های تروریستی خواست تا از هرگونه «سرایت» تروریسم به سین‌کیانگ جلوگیری کنند. ملا عمر قول داد که طالبان به اویغورها اجازه حمله به چین در سین‌کیانگ را نمی‌دهند اما این اویغورها مثل سابق در صفوف طالبان باقی می‌مانند. بعداً هنگامی که رییس‌جمهور ترمپ گفت‌وگوها با گروه طالبان در سال ۲۰۱۹ لغو کرد، چینی‌ها از یک هیئت طالبان به رهبری ملا عبدالغنی برادر در بیجینگ میزبانی کردند.

آیا طالبان می‌توانند به وعده‌های خود عمل کنند؟

طالبان فقط در حد حرف گفته‌اند که اجازه نمی‌دهند گروه‌های تروریستی بین‌المللی از جمله داعش خراسان و القاعده از خاک افغانستان برای حمله به ایالات متحده و متحدانش استفاده کنند. طالبان به روسیه، کشورهای آسیای میانه در شمال افغانستان، چین و ایران (در مورد تحمل فرقه شیعه در افغانستان) عین ضمانت‌ها را پیشکش کرده‌اند. اما قدرت‌های منطقه‌ای با توجه به تغییر رفتار طالبان طی دو ماه گذشته نسبت به طالبان بدگمان هستند.

در ۷ جولای چین بار دیگر امریکا را به خاطر خروج شتاب‌زده‌اش از افغانستان سرزنش کرد و هشدار داد که افغانستان می‌تواند بار دیگر به «بشکه باروت منطقه و لانه تروریسم» تبدیل شود. به همین ترتیب جمهوری‌های آسیای میانه که مرزهای مشترک متخلخل با افغانستان دارند وقتی ۱۰۳۷ سرباز افغانستان از ولایت بدخشان به کشورهای آسیای میانه گریختند، غافلگیر شدند. این گریز رییس‌جمهور تاجیکستان را مجبور به بسیج ۲۰ هزار نیروی ذخیره



در مرزها با افغانستان کرد. او همچنین از «سازمان پیمان امنیت جمعی» درخواست کمک کرد. در ماه می ۲۰۲۱، موجی از انفجارها مردم هزاره شیعه غرب کابل را هدف قرار داد که در نتیجه آن دست‌کم ۵۰ نفر کشته و بیش از صد تن زخمی شدند. هیچ گروهی مسئولیت این حملات پراکنده را برعهده نگرفت اما حکومت افغانستان طالبان را مقصر دانست.

دوام خشونت طالبان در خیابان‌های افغانستان و تلاش این گروه برای قاپیدن قدرت از راه نظامی نشان می‌دهد که موضع‌گیری و اظهارات این گروه در خصوص مذاکرات بین‌الافغانی برای حل‌وفصل سیاسی مسأله افغانستان فقط در حد حرف است.

احمد رشید، روزنامه‌نگار و نویسنده کتاب «طالبان: اسلام ستیزه‌جو، نفت و بنیادگرایی در آسیای میانه» در مصاحبه‌ی تازه‌اش گفته که منازعه افغانستان «می‌تواند کشورهای همسایه را درگیر خود کند». کشورهای همچون ایران، جمهوری‌های آسیای میانه، پاکستان و چین در سین‌کیانگ از پیامدهای فوری آن متأثر خواهند شد و هند و روسیه با چالش‌های امنیتی و تروریستی روبرو

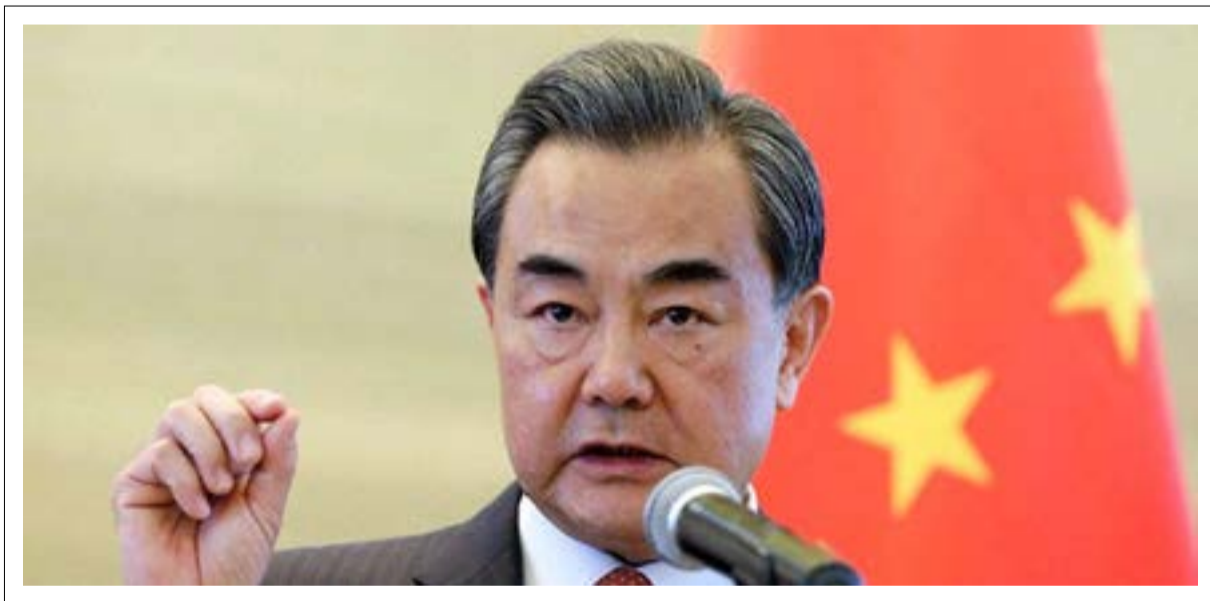
ام. کی. بادراکومار، آسیاتایمز
مترجم: جلیل پژواک

نشست وزرای خارجه سازمان همکاری شانگهای و نشست کارگروه این سازمان برای افغانستان که در ۱۳ و ۱۴ جولای برگزار شد، بر رویکرد چین در قبال تحولات افغانستان روشنی افکند.

درک اهداف و انگیزه‌های چین که توسط وزیر امور خارجه این کشور، آقای وانگ یی، توضیح داده شد، از آن جهت حائز اهمیت است که بیجینگ اخیراً نقش فعال‌تری را در روند صلح افغانستان به عهده گرفته است. اظهارات وانگ یی در کنفرانس مطبوعاتی روز چهارشنبه در شهر دوشنبه، در میانه‌ی بدگمانی‌ها در رسانه‌های غربی و هندی مبنی بر این که چین در آستانه‌ی بلعیدن افغانستان است، می‌تواند منبع ارزشمند برای رفع ابهام‌ها و کژفهمی‌ها باشد. آنچه واضح است این است که بیجینگ بیش از حد مواظب است تا پیش به گرداب افغانستان کشیده نشود. این مسأله در صدر آجندای بیجینگ برای افغانستان است. به زبان ساده چین در افغانستان به دنبال مداخله نظامی نیست و نمی‌خواهد اشتباه اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده را تکرار کند. همین‌چنین از امنیت و ثبات در افغانستان نفع می‌برد.

وانگ یی در کنفرانس مطبوعاتی روز چهارشنبه خود نگرانی‌های امنیتی چین را در سه سطح دسته‌بندی کرد: جلوگیری از تبدیل‌شدن منازعه فعلی افغانستان به یک جنگ داخلی تمام‌عیار، از سرگیری سریع مذاکرات صلح این کشور و جلوگیری از تبدیل‌شدن دوباره افغانستان به گذرگاه امن و لانه‌ای برای گروه‌های تروریستی بین‌المللی.

چین معتقد است که می‌توان از پیامدهای وخامت اوضاع امنیتی افغانستان بر منطقه جلوگیری کرد. چین هم با حکومت اشرف غنی و هم با رهبری طالبان دارای تعاملات



چین از آجندای خود برای افغانستان پرده برداشت

سازنده است. بیجینگ از مناسبات عالی با حکومت غنی برخوردار است؛ حکومتی که چینی‌ها آن‌را در تمام این سال‌ها بی‌سروصدا حمایت کرده‌اند و ریاست‌جمهوری غنی را در شرایط دشوار افغانستان نسبتاً خوب می‌دانند.

به همین ترتیب بیجینگ می‌داند که حکومت غنی در میان همه دولت‌های منطقه به تقویت روابطش با چین، با توجه به تعهد چین به تثبیت اوضاع در افغانستان بی‌طرف و عاری از سوگیری‌های ژئوپلیتیک، بسیار اهمیت می‌دهد. بیجینگ توانسته است هم روابط محکمی با حکومت غنی برقرار و آن‌را حفظ کند و هم کانال‌های ارتباطی خود را با طالبان باز نگه دارد. عمق و انعطاف‌پذیری روابط چین و طالبان

موضوع حدس و گمانه‌زنی‌ها بسیار بوده است؛ این‌که این روابط محصول محور چین-پاکستان-طالبان است. اما واقعیت پیچیده‌تر از این حدس و گمان‌ها است.

طالبان با چین اظهار دوستی می‌کند اما کنفرانس دوشنبه خطوط گسل این دوستی را برجسته کرد. وانگ یی از یک بار در اظهارات خود آشکارا ناراحتی چین را در خصوص این مسأله که طالبان روابط و پیوندهای خود را با گروه‌های تروریستی هنوز قطع نکرده است - تا «با نگرشی مسئولانه نسبت به کشور و مردم» وارد سیاست جریان اصلی افغانستان شود - ابراز کرد. این سخن را باید به دقت در تمام ابعاد آن درک کرد. چین به‌عنوان همسایه افغانستان به دنبال نسخه‌نویسی در مورد جنبه‌های اسلامی ملت

آنچه واضح است این است که بیجینگ بیش از حد مواظب است تا پیش به گرداب افغانستان کشیده نشود. این مسأله در صدر آجندای بیجینگ برای افغانستان است.

همچون جنبش اسلامی ترکستان شرقی (که سین‌کیانگ را تهدید می‌کند) عرصه و فضای بیشتری برای فعالیت در خاک افغانستان به دست آورند.

مطمئننا چین نمی‌تواند با اعتماد به پاکستان مطمئن باشد که اسلام‌آباد طالبان را در کشور بزرگی مثل افغانستان تحت مدیریت نگه خواهد داشت. درست است که سخنگویان طالبان چین را «دوست افغانستان» توصیف می‌کنند. اما چین، تا زمانی که طالبان با همه نیروهای تروریستی به صورت واضح و علنی قطع رابطه نکنند، مطمئن نیست که این گروه در موقعیتی باشد که بتواند انتظارات چین را برآورده کند.

آنچه واضح است این است که چین نمی‌خواهد ساختار دولت افغانستان فرو باشد یا خلأ امنیتی در این کشور به میان آید. به همین دلیل بعید به نظر می‌رسد که چین حمایت مادی، مساعدت‌های بشردوستانه و کمک‌های تسلیحاتی خود را به حکومت افغانستان خاتمه دهد یا همکاری اطلاعاتی خود را با کابل به منظور تقویت عملیات‌های ضدتروریستی در این کشور قطع کند. فروپاشی دولت افغانستان بدون هیچ شکی برای بیجینگ کابوس خواهد بود. چین و ایران در این رابطه هم‌نظر و هم‌رویکرد هستند. چین و ایران برخلاف روسیه که

فرضیه‌ی حاکمیت دینی طالبان؛ از واقعیت تا عمل

حسین‌علی کریمی

گروه طالبان از بدو شروع گفت‌وگوهای صلح، همیشه ادعا کرده‌اند که به‌دنبال ایجاد نظام اسلامی در افغانستان هستند. در این ادعا، این واقعیت پنهان وجود دارد که نظام فعلی، اسلامی نیست یا لاقبل به باور آن‌ها این نظام از مشروعیت کافی دینی برخوردار نیست. ثابت‌ساختن این موضوع که نظام فعلی اسلامی است یا نیست کاری به غایت دشوار است. چرا که به باور اسلام‌شناسان ما یک اسلام واحد نداریم که آن را الگو و سرمشق قرار دهیم و از درون آموزه‌های آن چارچوبی برای حکومت‌داری نوین جوامع تعریف کنیم. رؤیای بیشتر گروه‌های نوظهور اسلامی بازگشت به اسلام ناب است. امری که تحقق آن غیرممکن است. چرا با توسعه و تکامل تاریخی تمدن جوامع در تضاد است. اگر فرض کنیم گروه طالبان به دنبال حاکمیت دینی یا تئوکراسی در افغانستان هستند، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا امکان تحقق چنین امری وجود دارد؟ آیا طالبان آن‌چنان که ادعا می‌کنند به دنبال تحقق حاکمیت دین در افغانستان هستند؟

تفسیر و فهم گروه طالبان از شریعت، حکومت‌داری اسلامی و آموزه‌های اسلام از نظر بسیاری از مراکز معتبر دینی جهان اسلام مردود است. تفسیر آن‌ها از اسلام بدوی‌ترین، خشن‌ترین و عقل‌ستیزترین تفسیر ممکن از دین اسلام است. قرائتی انعطاف‌ناپذیر از اسلام که به‌جای این‌که معطوف به آینده و روند توسعه جامعه باشد، بیشتر گذشته‌گراست. برداشت طالب از اسلام سطحی، خشن و دگم است. فهم آن‌ها از اسلام و آموزه‌های آن بدوی و جامعه‌ستیز است. آن‌ها تلاش دارند تا افغانستان را به گذشته‌ای پیوند دهند که با توجه به پیشرفت‌های جامعه و تغییر و تحولات تاریخی، اجتماعی، تکنولوژیکی ماهیتاً امکان‌پذیر نیست و در تضاد با واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. به‌عنوان مثال آن‌ها خواهان اصلاح قانون اساسی فعلی هستند و در تازه‌ترین پیشنهادشان به هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان خواهان بازگشت به یکی از قوانین اساسی گذشته می‌باشند. قانون اساسی فعلی افغانستان به باور بسیاری از علمای علم حقوق یکی از کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین قوانین اساسی در میان کشورهای منطقه و اسلامی است. ویژگی مهم این قانون اساسی، پاسخگویی آن به نیازهای پویای جامعه افغانستان است. جامعه‌ای که هر روز در حال تغییر و دگرگونی است. چالشی که در بسیاری از قوانین گذشته افغانستان وجود نداشت. بازگشت به قوانین گذشته مهم‌ترین پیامدی که دارد این است که ما را به دامن انبوهی از قوانین، منابع فقهی و تکثر حقوقی بازمی‌گرداند. بنابراین حاکمیت دوباره طالبان و تغییر قانون اساسی فعلی این خطر را دارد که به لحاظ منابع فقهی و حقوقی در عرصه قوانین دوباره ما را با منابع مختلف مواجه سازد.

تئوکراسی یا حکومت الهی - مذهبی

بشر در طول حیات خود همواره به دنبال معنابخشی و سعادت زندگی جمعی و فردی خویش بوده است. در این میان ادیان تلاش کرده‌اند تا چنین کارکردی را ایفا کنند و راه سعادت و خوشبختی را برای انسان تعریف کنند. در طول قرن‌ها ادیان کوشیده‌اند تا آدمی را از رنج جانکاه تنهایی برهانند و با آموزه‌های خود او را در مسیر درست هدایت کنند. در واقع، فلسفه به‌وجودآمدن ادیان به یک معنا این بوده است که مکانیزم‌هایی را برای معنابخشی و سعادت زندگی دنیوی و اخروی انسان تعریف کنند. قرار بود ادیان با ارائه آموزه‌ها و رهنمودهایی، انسان خطاکار را که از میوه ممنوعه خورده بود و از گل و لای آفریده شده بود، دوباره به مسیر اصلی که همانا سعادت دنیوی و اخروی بشری است، بازگرداند. بر همین اساس ادیان وظیفه خود می‌پنداشتند تا عدالت، برابری و آزادی اجتماعی را در سایه حاکمیت دینی خلق کنند. با پیچیده‌تر شدن زندگی جمعی و سازکارهای زندگی اجتماعی، آدمی تلاش کرد تا سیستم‌ها و الگوهایی را برای خلق چنین دنیایی بیافریند. بر این اساس انواع مختلفی از حکومت‌داری به‌وجود آمد. از میان انواع حکومت‌داری‌ها، تئوکراسی با ذائقه برخی از نخبگان مسلمان به‌عنوان نوعی از حکومت‌داری، خوش‌تر آمد. دلیل آن هم این بود که این نوع از حکومت‌داری در ظاهر بستری مناسب و کامل را برای اجرای فرامین الهی که خواست مراجع دینی بود، فراهم می‌ساخت.

تئوکراسی (Theocracy) به معنی حکومت الهی - دینی است. به بیان ساده حاکمیت و قدرت در این ساختار از آن خداوند است. بر این اساس مرجع دینی تلاش می‌کند تا اوامر و احکام خداوند را در جامعه تطبیق کند. به باور اندیشمندان دینی تا این مرحله که نوع نظام بر پایه آموزه‌های دینی استوار باشد، مشکلی وجود ندارد یا قابل مشاهده نیست. مشکل از زمانی شروع می‌شود که بخواهیم برای مردم در این پلت‌فرم، نقشی در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی تعریف کنیم. چرا که در این نوع نظام، نقش مردم به طبعی بودن و

بوده است. سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۵ اقدام به ایجاد «گروه تماس افغانستان» کرد که با شدت گرفتن خشونت در غرب آسیا از فعالیت بازماند. با این‌حال، پس از آغاز روند خروج نیروهای ناتو به رهبری امریکا از افغانستان، حکومت در کابل به این سازمان به عنوان سکوی بدیل برای تأمین صلح و ثبات منطقه نگاه می‌کند.

پس از سال ۲۰۱۷، گروه تماس افغانستان احیا شد و از طریق کانال‌های دیپلماتیک با طالبان و حکومت در کابل برای پیشبرد مصالحه و برقراری صلح در افغانستان ایفای نقش کرد. پس از ۲۰۱۷ همه اعضای سازمان همکاری شانگهای، از جمله هند، برای برقراری صلح، ثبات و رفاه در افغانستان تلاش کردند. اما همه قدرت‌های منطقه‌ای به استثنای کشورهای آسیای میانه و هند از افغانستان و طالبان برای پیشبرد منافع ژئواستراتژیک و ژئواقتصادی کوتاه‌بینانه خود علیه غرب و علیه یکدیگر استفاده کردند. این بازوی دوگانه تا این‌جا فقط به نفع طالبان واقع شده است.

در نشست اخیر گروه تماس افغانستان سازمان همکاری شانگهای در دوشنبه، همه اعضای لروم حل و فصل منازعه افغانستان از طریق گفت‌وگو تأکید کردند و خواستار آغاز یک روند صلح به رهبری و تحت مالکیت افغانستان شدند. دکتر جایشنکر، وزیر امور خارجه هند نیز این اجماع نظر را با ارائه نقشه راه سه ماده‌ای دهللی نو در خصوص افغانستان برجسته کرد. کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، از جمله کشور ناظر ایران، باید به منظور تأمین صلح و راه منطقه‌ای سیاست‌های واگرای خود را در قبال طالبان بازبینی کنند. اگر کشورهای عضو این سازمان در خصوص طالبان همگرا نشوند، امکان برقراری صلح و ثبات پایدار هم در افغانستان و هم در کشورهای همسایه دشوار خواهد شد.

ایجاز وانی، پژوهش‌گر بنیاد تحقیقات آبرور در بمبئی است. ایجاز در حال حاضر روی پروژه *Kashmir Conflict, Managing Perceptions and Prospectus for Peace* کار می‌کند.

ترجمه

کسی حکومت افغانستان را تشکیل می‌دهد، در آینده‌ی قابل پیش‌بینی ادامه مبارزه با تروریسم مسئولیت بین‌المللی افغانستان خواهد بود و بنابراین مبارزه با تروریسم تهداب روابط آینده چین و افغانستان را تشکیل خواهد داد.

در نشست دوشنبه، وانگ از همه جناح‌های افغانستان خواست که نقشه راه و جدول زمانی خود را برای مصالحه روشن سازند تا بتوانند تهداب محکمی برای یک «ساختار سیاسی گسترده و فراگیر» در افغانستان ایجاد کنند. قابل ذکر است که وانگ در حضور وزیر امور خارجه افغانستان به تکرار از طالبان خواستار پابندی به تعهد این گروه مبنی بر قطع رابطه با سازمان‌های تروریستی بین‌المللی شد.

در حالت ایده‌آل چین و ایالات متحده می‌توانستند همکار باشند. اما روابط دو کشور دچار عدم شفافیت و صداقت است و مذاکرات بیچینگ و واشنگتن متوقف شده است. وانگ در کنفرانس خود از امریکا خواست «به تعهد خود احترام بگذارد و همکاری‌اش را افزایش دهد». اما او همچنین تأکید کرد که کشورهای منطقه باید مراقب هرگونه تلاش از جانب هر بیگانه‌ای که به دنبال استفاده سو از هرج و مرج در افغانستان است و می‌خواهد امنیت و ثبات منطقه‌ای را تضعیف کند، باشند.

به زبان ساده، چین به اهداف امریکا در افغانستان با بدگمانی شدید نگاه می‌کند. چین انتظار ندارد که ایالات متحده به کار بازسازی افغانستان یا ملت‌سازی در این کشور اشتیاق و علاقه نشان دهد. با این وجود چین به دلایل ژئوپولیتیکی پیش‌بینی می‌کند که نه‌تنها مداخلات امریکا در افغانستان ادامه خواهد یافت، بلکه واشنگتن تلاش خواهد کرد به بهانه مبارزه با تروریسم حضور خود را در منطقه گسترش دهد.

ام. کی. بادرکومار دیپلمات بازنشسته هند است.



خواهند شد. علاوه بر این، با مقاومت گروه‌های محلی در برابر طالبان و خشونت طالبانی، افغانستان به قطبی برای گروه‌های تروریستی از سراسر جهان تبدیل خواهد شد که از جنگ داخلی این کشور برای پیشبرد اهداف خود استفاده خواهند کرد. با توجه به این وضعیت سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به منطقه در ایجاد یک رویکرد منسجم برای مقابله با طالبان کمک کند.

سازمان همکاری شانگهای می‌تواند طالبان را رام کند

سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ تشکیل شد. این سازمان منطقه‌ای در حال حاضر هشت عضو دارد، چین، هند، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، پاکستان، تاجیکستان و ازبیکستان. کشورهای افغانستان، ایران و بلاروس در این سازمان به عنوان کشورهای ناظر عمل می‌کنند و تمرکز این سازمان بیشتر مسائل امنیتی منطقه است. سازمان همکاری شانگهای «ساختار مبارزه با تروریسم منطقه‌ای» این سازمان در خط مقدم مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی منطقه‌ای

رابطه جالبی با غنی نداشته است، از این‌که در حکومت کابل یک مخاطب پذیرا دارند راضی هستند.

اما در مورد دوام حکومت غنی در مواجهه با چالش فزاینده طالبان، شک و تردید فزاینده وجود دارد.

وانگ پیشنهاد داده است که چین آماده است «در هر زمان» مذاکرات بین‌الافغانی را تسهیل و از آن میزبانی کند و به حل و فصل سیاسی مسأله افغانستان کمک کند. چین در قبال روند صلح افغانستان راه مستقلى در پیش گرفته است و در این راه روی روابط ویژه خود با پاکستان، معادلات دوستانه خود با کابل، ظرفیت عظیم خود برای ارائه کمک مادی، اعتبار خود به عنوان همسایه خیرخواه و مهم‌تر از همه رویکرد سازنده خود در منطقه حساب باز کرده است.

نگرانی‌های امنیت‌محور چین بسیار مشخص است. بیچینگ و مسکو تا اینجا نگرانی‌های امنیتی تقریباً مشترک دارند، زیرا هم چین و هم روسیه می‌ترسند که بی‌ثباتی در افغانستان به سرعت به آسیای میانه گسترش یابد. ارتقای گروه تماس سازمان همکاری شانگهای برای افغانستان برای اولین بار از زمان تأسیس این سازمان در سال ۲۰۱۵ و برگزاری نشست‌های در سطح وزرای امور خارجه کشورهای عضو این سازمان نشان‌دهنده این نگرانی مشترک است.

وانگ خواستار ایجاد حکومت مؤقت در افغانستان نشد. اما سوال این جاست که چرا چین بخواهد میراث پیمان دوحه را به ارث ببرد؟ نویسندگان مقاله‌ای در روزنامه گلوبل تایمز تأکید کرده‌اند که «موضع چین در قبال افغانستان تغییر نکرده است و چین هنوز هم از حکومت افغانستان به خاطر تلاش‌هایش به منظور برقراری ثبات در این کشور، با وجود ابراز دوستی طالبان با چین، قدردانی می‌کند.» شگفت‌آور است که چین به جای طرح‌ریزی اعمال قدرت بی‌فایده در افغانستان پسا امریکا، نگاه طولانی مدت به این کشور دارد. برآورد چینی‌ها این است که مهم نیست که چه

فرمان‌بردار بودن توسط دستگاه حاکم تعریف می‌شود. اصولاً این دستگاه حاکم یا مرجع دینی است که حق تفسیر و اجرای فرامین و دستورات الهی را دارد و مردم حقی مبنی بر مشارکت و سهم در قدرت و تصمیم‌گیری ندارند. تاریخ حکومت‌های مسلمان که این نوع حکومت‌داری را برگزیده‌اند نشان می‌دهد که این سیستم در مقام عمل قابل تطبیق نیست و منجر به انحصار قدرت در دست عده محدودی شده است. چرا که در نهایت قدرت در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که تنها ابزارشان برای تحقق فرامین خداوند، داعیه دین‌داری، احکام خداوند و تطبیق شریعت است. همچنین تاریخ جوامع نشان می‌دهد که از درون تئوکراسی، نوعی حکومت توتالیتر که نخبگان مذهبی و دینی آن را کنترل می‌کنند، بیرون می‌آید. چرا که به لحاظ تئوری نیز این نوع حکومت‌داری دارای فقر وسیع نظری است.

از درون تئوکراسی چه چیزی بیرون می‌آید؟

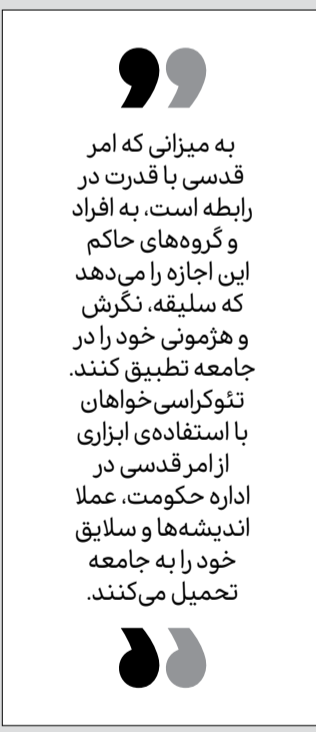
در تئوکراسی یا حکومت الهی - مذهبی آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد اجرای کلام و احکام خداوند بر زمین نیست. گرچه که ادعای دستگاه حاکم چنین است. چرا که امر قدسی با قدرت پیوند می‌خورد. به میزانی که امر قدسی با قدرت در رابطه است، به افراد و گروه‌های حاکم این اجازه را می‌دهد که سلیقه، نگرش و هژمونی خود را در جامعه تطبیق کنند. تئوکراسی خواهان با استفاده‌ی ابزاری از امر قدسی در اداره حکومت، عملاً اندیشه‌ها و سلاطین خود را به جامعه تحمیل می‌کنند و عملاً عاملیت مردم و نقش آنان را در تعیین سرنوشت‌شان نادیده می‌گیرند.

در حاکمیت مطلق دینی، حاکمان بر این باورند که مردم توانایی و شعور کافی سیاسی و اجتماعی را برای تعیین سرنوشت خود ندارند. لذا این حاکمان هستند که خیر و صلاح عمومی را بهتر از مردم می‌فهمند. بهتر از مردم نیازهای آنان را تشخیص می‌دهند و مصلحت آنان را نیز بهتر می‌توانند درک کنند. بنابراین برای مردم حقی به معنای مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری قائل نیستند. در چنین وضعیتی سرکوب و حذف مخالفان سیاسی به بهانه‌های مخالفت با دین به صورت گسترده اتفاق می‌افتد. در حاکمیت دینی، امیرالمؤمنین یا خلیفه خود را جانشین بر حق خداوند برای اجرای دستورات الهی می‌پندارد. لذا صفات، ویژگی‌ها و قداستی همچون پیامبر اسلام برای خود قائل است. چنین برداشتی از امر قدسی به حاکم این مجوز را می‌دهد که به هر بهانه و روشی با عنوان مصلحت عمومی، مخالفان را از سر راه بردارد. لذا به راحتی مجوز خشونت صادر می‌کند. بر همین اساس است که میل به اعمال خشونت در گروه‌های سلفی همچون طالبان به صورت گسترده قابل مشاهده است. در تفکر حاکمان مطلق دینی، تکثر و وجود گروه‌های مختلف اجتماعی و فکری جایگاهی ندارد و آن‌ها به‌شدت به دنبال یک‌دست‌ساختن فضای عمومی جامعه هستند.

طالبان و فرضیه‌ی حاکمیت دینی

با فرض اینکه تئوکراسی نسخه قابل‌قبول و قابل اجرا در افغانستان باشد و طالبان خواهان آن باشند، اما سوال اینجاست که بستر تطبیق این تئوکراسی آیا از مسیر خشونت و جنگ امکان‌پذیر است؟ گروه طالبان به دنبال حاکمیت دینی، تطبیق شریعت و اجرای فرامین خداوند در جغرافیای این کشور نیستند. بلکه ادعای نظام اسلامی پوششی است برای قدرت‌طلبی آنان. آن‌ها به هیچ‌یک از اصول اسلامی و اخلاقی در ارتباط با ساده‌ترین قوانین جنگ پایبند نیستند. ماهیت این گروه اکنون بیش از هر زمان دیگری با تروریسم، مواد مخدر، خشونت، کشتار و گروه‌های افراطی منطقه‌ای و جهان‌گره خورده است. تئوکراسی خواهی فرضیه‌ای است که ما برای ادعای طالبان مطرح می‌کنیم. اما واقعیت این است که

گروه طالبان هیچ مکانیزمی برای حکومت‌داری ندارند. در طول تمام سالهایی که ماشین کشتار آن‌ها با ابزارهایی چون جهاد و اسلام‌خواهی فعال بوده، نتوانسته‌اند الگویی برای ادعایشان ارائه کنند. ادعای آنان به شدت از لحاظ تئوری فقیر است. آنچه نخبگان طالبان به دنبال آنند، قدرت‌طلبی مطلق است. در این راستا تنها ابزاری که می‌تواند اعمال و رفتار خشونت‌آمیز آنان را توجیه کند، ادعاها و خواست‌های مبهم و کلی آنان درباره اسلام‌خواهی است. آن‌ها اگر بخواهند همین امروز می‌توانند سلاح‌هایشان را کنار بگذارند و در یک فضای امن، مشروعیت و وزن حقیقی خود را از طریق پروسه‌های رقابتی آزمایش کنند. چرا که ساختارهای سیاسی و اجتماعی افغانستان دارای چنین ظرفیتی است. برای حاکمیت و حکومت‌کردن نیازی به تولید خشونت، جنگ و وحشت نیست. اما مسأله این است که آن‌ها نمی‌خواهند. اراده و ظرفیت چنین امری را ندارند. اگر خود آن‌ها بخواهند، تمویل‌کنندگان و حامیان آن‌ها چنین اراده‌ای ندارند.



به میزانی که امر قدسی با قدرت در گروه‌های حاکم این اجازه را می‌دهد که سلیقه، نگرش و هژمونی خود را در جامعه تطبیق کنند. تئوکراسی خواهان با استفاده‌ی ابزاری از امر قدسی در اداره حکومت، عملاً اندیشه‌ها و سلاطین خود را به جامعه تحمیل می‌کنند.

توافق عراق و لبنان برای مبادله سوخت با کالا و خدمات



را به لبنان عرضه خواهد کرد. لبنان که از اواخر سال ۲۰۱۹ با بحران شدید اقتصادی روبرو بوده است، به طور مضاعفی در تامین برق مشکل داشته است و با توجه به مشکل تامین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌های این کشور، مجبور شده است به خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده روی بیاورد. خاموشی‌های مداوم در لبنان باعث شده است تا بسیاری از مردم این کشور برای تامین برق مجبور به استفاده از ژنراتورهای شخصی شده‌اند. به گزارش رویترز، بیمارستان‌های لبنان هفته گذشته هشدار دادند، سوخت مورد نیاز ژنراتورهای آنها رو به اتمام است و این مساله جان بیماران با شرایط وخیم را در معرض خطر قرار می‌دهد.

زندگی مردم این کشور را مختل کرده است. ریموند قاجر، سرپرست وزارت انرژی و آب لبنان که پس از امضای قرارداد خرید سوخت از عراق با خبرنگاران صحبت می‌کرد، اظهار داشت، سوخت خریداری شده برای کار نیروگاه‌های تولید برق استفاده خواهد شد. سرپرست وزارت انرژی و آب لبنان تصریح کرده است این میزان از سوخت برای چهار ماه کار این نیروگاه‌ها کافی خواهد بود. ریموند قاجر اضافه کرده است، ارزش این قرارداد در حدود ۳۰۰ میلیون تا ۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود. وزارت نفت عراق نیز در بیانیه‌ای گفته است، میلیون تن سوخت نفت کوره (مازوت) تولیدی پالایشگاه خود

اطلاعات روز: دولت لبنان در راستای کاهش کمبود شدید انرژی، روز شنبه توافقنامه‌ای را با عراق برای خرید سالانه بیش از یک میلیون تن سوخت در ازای صادرات کالا و خدمات به این کشور امضا کرد. به گزارش رادیو فردا، لبنان با شدیدترین بحران اقتصادی طی دهه‌های اخیر روبه‌رو است که ثبات این کشور را به مخاطره انداخته است. بانک جهانی می‌گوید این بحران یکی از بدترین بحران‌ها در تاریخ مدرن است. واحد پول لبنان، پوند، طرف دو سال اخیر بیش از ۹۰ درصد ارزش خود را از دست داده که باعث تشدید فقر و کمبود مواد غذایی، سوخت و دارو در این کشور شده است. در همین حال، قطع شدن مداوم و طولانی برق، کار و

عفو بین‌الملل خواستار توقف استفاده از فن‌آوری‌های نظارتی شد

نقش دارند. این صنعتی خطرناک است که مدتهاست در لبه قانون فعالیت می‌کند و نباید اجازه ادامه فعالیت به آن داد.»

کالامار تاکید کرد: «اکنون ما به ایجاد فوری مقررات بیشتر درباره صنعت نظارت بر فضای مجازی، پاسخگویی در مورد سوءاستفاده و نقض حقوق بشر و نظارت بیشتر بر این صنعت تاریک نیاز داریم.»

عفو بین‌الملل خواستار توقف فوری صادرات، فروش، انتقال و استفاده از فن‌آوری‌های جاسوسی شده «تا زمانی که یک چارچوب نظارتی مطابق با حقوق بشر بر آن ایجاد شود.»

کالامار گفت: «این واقعیت که رهبران سیاسی جهان خود هدف نرم افزارهای جاسوسی قرار گرفته‌اند ممکن است به‌عنوان یک زنگ خطری بیدار کننده برای آن‌ها عمل کند که هرچند دیر هنگام چارچوبی مقرراتی برای این صنعت وضع کنند.»

در لیست اهداف بدافزار پگاسوس نام دست کم ۱۸۰ روزنامه نگار، ۶۰۰ سیاستمدار، ۸۵ فعال حقوق بشر و ۶۵ تن از صاحبان شرکت‌های بزرگ تجاری دیده می‌شود. شرکت NSO اما اصرار دارد که پگاسوس را تنها برای استفاده در مبارزه با تروریسم و سایر جرائم تولید کرده و با تایید دولت اسرائیل به ۴۵ کشور صادر می‌کند.

مورد فاش شده‌ایست که برای جاسوسی از سران کشورها، روزنامه‌نگاران و فعالان به‌کار گرفته شده است. هفته گذشته فهرستی متشکل از نزدیک به ۵۰ هزار هدف بالقوه این جاسوس‌افزار به بیرون درز کرد و به جنجالی تازه منجر شد.

عفو بین‌الملل به همراه موسسه روزنامه‌نگاری غیرانتفاعی فرانسوی «داستان‌های ممنوع» (Forbidden Stories) و با همکاری چندین شرکت رسانه‌ای از جمله واشنگتن پست، گاردین و لوموند فهرست درز کرده را تحلیل و آن‌را منتشر کردند.

به‌دنبال انتشار این گزارش‌ها امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه که نام او در فهرست افراد هدف این بدافزار قرار دارد، مجبور به تغییر گوشی و شماره تلفن همراه خود شد.

انیس کالامار، دبیرکل عفو بین‌الملل در این رابطه گفت: «[جاسوسی از طریق بدافزارها] نه تنها نشان می‌دهد افرادی که به‌طور غیرقانونی هدف قرار گرفته‌اند در معرض چه خطری قرار داشته و چه آسیبی را متحمل شده‌اند، بلکه عواقب بسیار بی‌ثبات‌کننده‌ای را بر حقوق بشر جهانی و امنیت محیط دیجیتال برجا خواهد گذاشت.»

او افزود: «گروه اسرائیلی NSO تنها یکی از شرکت‌هاست که در تولید بدافزارهای امنیتی و نظارتی

هشدار داد. به گزارش رادیو زمانه، در بیانیه‌ای که روز جمعه ۲۳ جولای ۱/ اسد صادر شده است این سازمان و خواستار توقف فروش و استفاده از فن‌آوری‌های نظارتی شد. نرم‌افزار Pegasus ساخت گروه NSO اسرائیل که می‌تواند با هک گوشی همراه، دوربین یا میکروفون تلفن را روشن کرده و داده‌های آن را جمع‌آوری کند، آخرین



حضور ناوهای ایرانی سهند و مکران در خلیج فنلاند؛ پوتین امریکا را به تحریک بریتانیا متهم کرد

دروازه‌های دریای شمال و فنلاند به روی ناوگان ایرانی دانست.

دریادار خانزادی همچنین طی مسیر طولانی توسط دو ناو ایرانی را که با هدف ورود به مناطق استراتژیک شمال اروپا انجام شده، «بی‌سابقه» خواند.

همکاری نیروهای دریایی ایران و روسیه طی سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی پیدا کرده و گذشته از سفرهای مقام‌های ایرانی برای بازدید از ناوگان روسیه، دو کشور فوریه گذشته نیز رزمایشی مشترک را در آب‌های شمال اقیانوس هند برگزار کردند.

ایران، هند و پاکستان مشارکت داشتند. همچنین چهار هزار نیرو و ۴۰ هواپیما و بالگرد نظامی در این رژه حضور داشتند.

این رژه به مناسبت سیصد و بیست و پنجمین سالروز تاسیس ناوگان نیروی دریایی روسیه برگزار شد.

حسین خانزادی، فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران که به دعوت سرگئی شایگو، وزیر دفاع روسیه برای شرکت در مراسم رژه روز یکشنبه نیروی دریایی این کشور در سن‌پترزبورگ حضور داشت، ورود ناوهای سهند و مکران ایران به خلیج فنلاند را «تفاهلی تاریخی» توصیف کرد و آن را به معنای گشوده شدن

هدف دشمن در زیر آب، سطح دریا یا هوا هستیم و در صورت لزوم ضربه‌های برگشتناپذیر وارد خواهیم کرد.» آقای پوتین همچنین با اشاره به تنش مسکو و لندن بر سر عبور ناو بریتانیایی از آب‌های کریمه تصریح کرد که روسیه قادر بود ناو جنگی ارتش بریتانیا را بدون دامن زدن به جنگ جهانی سوم غرق کند. او همچنین واشنگتن را متهم کرد که در تردد «غیرقانونی» ناو بریتانیایی نقش «تحریک‌کننده» ارتش بریتانیا را ایفا کرده است.

به گفته سرگئی شایگو، وزیر دفاع روسیه در این رژه ۵۴ کشتی جنگی از کشورهای مختلف جهان از جمله

اطلاعات روز: مراسم رژه نیروی دریایی روسیه روز یکشنبه (۲۵ جولای/اسوم اسد) با سخنرانی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه آغاز و با مشارکت دو ناو ایرانی در سن‌پترزبورگ برگزار شد. آقای پوتین در این سخنرانی گفت: «روسیه به تولید موفقیت آمیز سلاح‌های جدید ادامه می‌دهد و تا کنون نیز موفق شده سلاح‌های دقیق مافوق صوتی بسازد که هیچ مشابهی در جهان ندارند.»

به گزارش یورو نیوز فارسی، رئیس‌جمهوری روسیه با اشاره به ساخت ناوهای اتمی و موشک‌های کروز زیر دریایی خاطرنشان کرد: «ما قادر به شناسایی هر

صدر اعظم عراق:

به نیروی محاروبی امریکا نیاز نداریم



الکاظمی زیر فشار شدید، عمدتاً از سوی احزاب سیاسی شیعه، قرار دارد تا مهلت خروج نظامیان امریکایی را از عراق اعلام کند. از سوی دیگر حملات پیهم راکتی بر اهداف نظامی و دیپلماتیک امریکا در عراق، که گمان می‌رود ملیشه‌های طرفدار ایران آن را انجام می‌دهند، نیز حکومت آقای الکاظمی را زیر فشار ایالات متحده قرار داده است.

امریکایی در نزدیکی میدان هوایی بغداد کشته شد. با اینحال، عمال داعش در چهار سال گذشته نیز حملات مرگباری را در عراق و حتا در بغداد، پایتخت آن کشور انجام داده اند. هفته گذشته، حمله انتحاری در یک بازار مزدحم در بغداد ۳۰ کشته برجنگداشت که مسولیت آن را گروه داعش پذیرفت. در آستانه انتخابات زود هنگام سرتاسری در عراق،

تا نقش محاروبی نیروهای امریکایی در آن کشور پایان یابد و نیروهای امریکایی تنها به ماموریت آموزش و مشاورت به نیروهای عراقی تمرکز کنند، اما تا کنون تاریخ مشخصی برای اینکار تعیین نشده است.

انتظار می‌رود که پس از دیدار آقای کاظمی با رئیس‌جمهور بایدن، جدول زمانی مشخصی برای پایان ماموریت محاروبی حدود ۲۵۰۰ نظامی امریکایی مستقر در عراق تعیین شود که احتمالاً این تاریخ در اواخر سال روان خواهد بود.

آقای کاظمی افزود: «آنچه را از حضور نظامی ایالات متحده در عراق می‌خواهیم، آموزش نیروهای مان و ارتقای موثرت و قابلیت آنان و همکاری امنیتی است.»

نیروهای امریکایی که در سال ۲۰۰۳ به عراق اعزام شده بودند، پس از هشت سال حضور نظامی، در سال ۲۰۱۱ به گونه کامل آن کشور را ترک کردند، اما پس از ظهور داعش در عراق و سوریه، براک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ بازم هزاران نظامی امریکایی را برای شسکت دادن داعش در عراق مستقر کرد.

حکومت عراق در سال ۲۰۱۷ شکست کامل داعش را در آن کشور اعلام کرد، اما ادامه حضور نظامیان امریکایی در آن کشور پس از شکست داعش به یک مناظره داغ سیاسی مبدل شد، به ویژه پس از آنکه قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و ابو مهدی المهندس، فرمانده ملیشه‌های شیعه مورد حمایت ایران در اوایل جنوری ۲۰۲۰ در حمله هوایی نظامیان

اطلاعات روز: مصطفی الکاظمی، صدر اعظم عراق می‌گوید که کشورش از این بعد به نیروهای محاروبی ایالات متحده برای جنگ بر ضد گروه دولت اسلامی نیاز ندارد، اما به گفته وی تعیین تاریخ ختم ماموریت جنگی قوای امریکایی در عراق، منوط به نتایج گفتگوها میان مقام‌های عراقی و امریکایی خواهد بود که قرار است در هفته روان صورت گیرد.

به گزارش صدای امریکا، آقای کاظمی در آستانه سفرش به واشنگتن دی سی، در مصاحبه با خبرنگاری اسوشیتدپرس گفت که با آنها، عراق خواستار همکاری ایالات متحده در زمینه آموزش به قوای عراق و گردآوری استخبارات نظامی خواهد شد. قرار است آقای کاظمی روز دوشنبه ۲۶ جولای با جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده دیدار کند.

صدر اعظم عراق با تاکید بر اینکه نیروهای امنیتی و دفاعی عراق بدون همکاری نیروهای ایتلاف به رهبری ایالات متحده توانمندی دفاع از کشور شان را دارند، گفت: «به حضور نیروهای محاروبی خارجی در خاک عراق نیازی نیست.»

آقای کاظمی گفت که برنامه خروج قوای خارجی از عراق بر بنیاد نیازمندی‌های نیروهای عراق تنظیم خواهد شد: «جنگ بر ضد گروه دولت اسلامی و احضارات نیروهای ما مستلزم یک جدول زمانی خاص است و [تعیین این جدول زمانی] وابسته به مذاکراتی است که با واشنگتن خواهیم داشت.»

ایالات متحده و عراق در ماه اپریل سال روان توافق کردند

حشمت رادفر

روز اول عید قربان کنگره عظیم نماز عید در شمالی برای جوخه‌های تبلیغاتی طالبان و دیگر گروه‌های تندرو شبیه جشن پیروزی بر یهود و نصارا بود. بسیاری از آن‌ها در نقش ملامان و مبلغان مذهبی، تخلیه پایگاه بگرام توسط امریکایی‌ها را پیروزی اسلام بر کفر و عید قربان امسال را اولین عید واقعی مسلمانان در افغانستان پس از چهل سال عنوان کرده و همسویی و همذات‌پنداری‌شان با طالبان و گروه‌های تکفیری را عریان‌تر و جسورانه‌تر ابراز کردند.

رییس‌جمهور غنی و دیگر اراکین بلندپایه‌ی نظام اما، نماز عید را به امامت یک سرباز در ارگ ریاست‌جمهوری ادا کردند و صرف نظر از حاشیه‌های مربوط به موشک‌پراکنی عیدانه‌ی طالبان در کابل، در این سوی خط اکثریت قریب به اتفاق کاربران شبکه‌های اجتماعی عید قربان را به‌عنوان «عید سرباز» گرامی داشتند.

تپه احمدبیگ نجراب

در این میان ما تصمیم گرفتیم تا عید سرباز را در کنار سربازان در خطوط مقدم جبهه گرمی بدرسیم. در روز دوم عید به اتفاق جمعی از دوستان قدیمی، نخست به محمود رافی رفتیم و پس از توقف کوتاهی در ریاست امنیت ملی کاپیسا، به سوی خط مقدم جبهه در تپه احمدبیگ نجراب به راه افتادیم. اگرچه آتش‌بس رسمی اعلان نشده بود، اما به‌نظر می‌رسید که نیروهای دفاعی و امنیتی مستقر در این ولایت به بهانه‌ی عید اندکی فرصت تنفس یافته بودند. هنگامی که به سمت دره‌ی سرسبز و زیبای نجراب حرکت کردیم، کوه‌های بلند و دشت و دمن‌های سبز در مناطق شوخی و سولانک وسایط نظامی و استحکامات دفاعی زیادی به چشم می‌خورد. در مسیر راه با شماری از سربازان و افسران احوال‌پرسی و عیدمبارکی کردیم. بالاخره به تپه‌ی احمدبیگ نجراب رسیدیم. در دیدارهای مفصلی که با رییس امنیت ملی کاپیسا و فرمانده فرقه ۱۱۱ اردوی ملی داشتیم، آنان از روحیه بلند سربازان و افسران تحت امرشان به نیکویی یاد کردند. اشراف و آگاهی آنان از وضعیت دو طرف خط برای ما امیدوارکننده و نیروبخش بود. سپس به دیدار سربازان در نقطه صفری خط مقدم جبهه رفتیم که کمتر از ۵۰۰ متر با خط دشمن فاصله داشت. روحیه و مورال نیروهای دفاعی فوق‌العاده و مثال‌زدنی بود، اما مواردی را مطرح کردند که بسیاری از ارزیابی‌ها و نگرش‌های ما در پیوند با جنگ و صلح را دگرگون کرد. در دور و بر نیروهای نظامی یونیفورمدار، شماری از نیروهای محلی لباس شخصی هم به چشم می‌خورد. به ما گفتند که افراد حبیب افغان و دیگر وکیلان و چهره‌های بانفوذ کاپیسا هستند که در کنار اردوی ملی در برابر طالبان می‌جنگند.

فرماندهان و رهبری نیروهای امنیتی و دفاعی در محل مشتاقانه منتظر ورود میردادخان نجرابی، نماینده مردم کاپیسا بودند که قرار بود پس از چاشت روز دوم عید به محل بیاید. درباره‌ی اهمیت حضور افراد و چهره‌هایی مانند آقای نجرابی در خط مقدم جبهه پرسیدیم.

خلاصه‌ی دیدگاه‌های مسئولان نظامی و امنیتی در ساحه این بود که در سراسر نجراب و مناطق آسیب‌پذیر اطراف آن حدود هزار نیروی محلی از حدود دو سال پیش، از دولت تنخواه و امکانات دریافت می‌کردند که از این میان به‌شمول یک تولی منطقه‌ای نزدیک ۵۸۰ نیروی محلی از جانب آقای نجرابی معرفی شده بودند و اکنون که این نیروها از حدود ۱۰ روز به این‌سو در سراسر نجراب پراکنده و برخی از آنان در کوه‌ها و دره‌های دوردست متواری شده‌اند. وکیلان و سیاسیون به هر دلیلی برای ماندن در خط مقدم و حتی تلاش برای انسجام نیروهای مربوطه‌شان علاقه‌ی چندانی نشان نمی‌دهند.

یک افسر ارتش در نقطه‌ی صفری خط مقدم جنگ به ما گفت: «نیروهای اردوی



روایت عید سرباز؛

از تپه احمدبیگ تا دره غوربند

مناطق از عصبیت‌های تباری یا ذهنیت‌های مذهبی و ایدئولوژیک مردم استفاده کرده و از میان جوانان نادر و ناآگاه سربازگیری می‌کنند. در این اواخر حضور نوجوانان و حتی کودکان زیرسن (طلاب مدارس دینی که در ساحات تحت نفوذ دولت، تأسیس شده بود) به تناسب جوانان و بزرگسالان در صفوف طالبان افزایش یافته است.

هنگامی که ما از خطوط جنگ برگشتیم، کاروان موترهای میردادخان نجرابی و اقبال صافی نمایندگان کاپیسا در پارلمان، به سمت تپه احمدخان در حرکت بود. بامداد شنبه، دوم اسد وقتی خبر انجام عملیات نیروهای خاص بر مرکز ولسوالی نجراب پیچید، دست‌کم برای من و دوستانم که اوضاع را از نزدیک دیده بودیم، نتیجه قابل پیش‌بینی بود، اما نفس تحرک نیروها و انجام عملیات در قلب ولسوالی نجراب، برای مردم و نیروهای حاضر در صحنه انگیزنده و امیدبخش است.

خلاصه این‌که کلید فتح دوباره‌ی نجراب و بسیاری از مناطقی که طالبان در حدود دو ماه گذشته اشغال کرده‌اند، به‌دست وکیلان و چهره‌های بانفوذ محلی است که طی دو سال گذشته پول، اسلحه و امکانات زیادی را زیر نام ایجاد دسته‌های خیزش مردمی به‌دست آورده‌اند. آن‌ها باید اختلافات و رقابت‌های درونی، تیمی، تنظیمی، محلی و قومی خود را کنار گذاشته صادقانه و بااقتدار در کنار نیروهای دفاعی و امنیتی کشور بایستند تا هم کاخ‌ها و باغ‌ها و تفریح‌گاه‌های مجلل‌شان دوباره تصاحب کنند و هم مردم از زیر شلاق و ظلم و وحشت طالبانی رهایی یابند.

غوربند

به روز سوم عید با اتفاق دو دوست دیگرم به خط مقدم جبهه در منطقه پل آسابه دره غوربند رفتیم. زندگی در دره غوربند

به‌دلیل این‌که ولسوالی‌های سیاه‌گرد و شینواری هنوز در اشغال طالبان است، با دشواری‌های زیادی روبه‌روست، اما روایت یکی از افسران ارتش از عملیات بازپس‌گیری ولسوالی‌های شیخ‌علی و سرخ‌پارسا جالب و امیدوارکننده بود که گفت: «هنگامی که سراسر دره غوربند به‌دست طالبان افتاد، ما به ولسوالی شبیر عقب‌نشینی کرده بودیم، از بازپس‌گیری ولسوالی‌های سیغان و کهمرد از دست طالبان، در جریان برنامه‌ریزی عملیات بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته در دره غوربند بزرگان بامیان از وکیل و والی و نیروهای مردمی پیشاپیش اردوی ملی حرکت می‌کردند و فتح ولسوالی شیخ‌علی ما در میان موج عظیمی از احساسات و استقبال مردم پیش رفتیم و فهمیدیم که حمایت عملی و عینی مردم از نیروهای دفاعی و امنیتی‌شان چقدر نیروبخش و انگیزنده است.»

در میان نیروهایی که ما در دره غوربند ملاقات کردیم، قطعات خاص وزارت دفاع و امنیت ملی را منظم‌تر، باانگیزه‌تر و متنوع‌تر یافتیم. دانش و آگاهی آنان در پیوند با اوضاع سیاسی و امنیتی کشور با شجاعت و ایستادگی آنان در میدان‌های جنگ تناسب مستقیم دارد، البته سرخوردگی و نارضایتی‌شان از برخوردهای سلیقه‌ای و نبود دید دورنمایی و افغانستان‌شمول در رده‌های بلند دولت و حنا رهبری نیروهای دفاعی و امنیتی کشور کاملاً مشهود بود. یکی از فرماندهان قوای خاص مستقر در غوربند، شش تن از هم‌زمانش را به ما معرفی کرد. دو تن از ولایت بغلان، یکی از بدخشان و دو تن دیگر از ولایت پکتیا و یک تن دیگرشان که از ولایت تخار بود. گفت «قوم ما قوای خاص و رسالت ما دفاع از افغانستان است.» شرح تمامی قسه‌های آنان در این جستار ناممکن است، اما به جرأت می‌توان ادعا کرد که قطعات خاص دندانه‌های توانمند نیروهای دفاعی و امنیتی کشور هستند.

در فرجام این‌که اوضاع در میدان‌های جنگ به مراتب متفاوت‌تر از تصویری است که از آن در صفحات اجتماعی، رسانه‌ها و حنا سخنرانی‌ها و عربده‌کشی‌های میان‌تهی سیاست‌گران از آن ترسیم می‌شود. این جنگ سرنوشت، ایستادگی برای بقا و بسیار پیچیده و دشوار است. حمایت هوشمندانه، آگاهانه و عملی از تمامی نیروهایی که در سنگرهای داغ نبرد حضور دارند، رسالت حیاتی تمامی کسانی است که خواستار فروپاشی یا طالبانی‌شدن افغانستان نیستند؛ به‌خصوص افراد، چهره‌ها و سیاست‌گرانی با القاب و عناوین سنگین و دهان‌پرن زبر نام حمایت از این نیروها، به‌بازی‌ها، شیطنت‌ها، توطیبه‌ها، کثافت‌کاری‌ها و معاملات پیدا و پنهانی اقدام می‌کنند. این کار به مراتب بیشتر و پیش‌تر از جنگ رویاروی طالبان و تبلیغات زهرآگینی که ملیشه‌های تبلیغی و جاده‌صاف‌کن‌های قومی و ایدئولوژیک آنان علیه این نیروها راه‌اندازی کرده و می‌کنند، برای تداوم فرایند دشوار پایداری و مقاومت در برابر طالبان زیانبارتر و خطرناک‌تر است.



”

اوضاع در میدان‌های جنگ به مراتب متفاوت‌تر از تصویری است که از آن در صفحات اجتماعی، رسانه‌ها و حنا سخنرانی‌ها و عربده‌کشی‌های میان‌تهی سیاست‌گران از آن ترسیم می‌شود. این جنگ سرنوشت، ایستادگی برای بقا و بسیار پیچیده و دشوار است.

”

شهرک صنعتی هرات در معرض آسیب جنگ؛

«کارخانه‌ها را مسدود کرده و از کشور خارج می‌شویم»

واجد روحانی - هرات

جنگ‌جویان طالبان بیشتر از هر زمانی به شهرک صنعتی ولایت هرات در ولسوالی گذره نزدیک شده‌اند. هم اکنون ولسوالی‌های زنده‌جان، ادرسکن و پشتون زرغون مجاور با ولسوالی گذره زیر سیطره کامل گروه طالبان قرار دارد و این گروه بخش‌هایی از ولسوالی گذره را نیز کنترل می‌کنند. ترس از گسترش فعالیت طالبان در گذره، ترس و هراس زیاد در دل صنعت‌گران هرات ایجاد کرده است. آنان از روزی می‌ترسند که جنگ به کارخانه‌های صنعتی برسد و شهرک صنعتی به خط نبرد مبدل گردد. شماری از صنعت‌گران با تحلیل پیش‌روی طالبان، این روز را آمدنی می‌دانند.

با اتکا به آمار رسمی اتاق صنایع و معادن هرات، بیش از ۳۰۰ کارخانه تولیدی در شهرک صنعتی هرات موقعیت دارد و از این میان، بیش از ۱۷۰ کارخانه در شرایط کنونی فعالیت دارد و در اوج جنگ‌ها، بخشی از تولیدات داخلی را به بازار عرضه می‌کند، اما صنعت‌گران هرات به حکومت هشدار قوی می‌دهند که با رسیدن جنگ به شهرک صنعتی تنها یک گزینه روی میز دارند: مسدود کردن کارخانه‌های تولیدی و خروج سرمایه به خارج کشور.

نقیب‌الله حقم، مسئول کارخانه تولیدی «بارک هلمند» در شهرک صنعتی هرات است. این کارخانه قطعات موتورسایکل و ریگشا تولید می‌کند و بخش زیادی از تولیدات این شرکت به ولایت‌های مختلف کشور ارسال می‌شود، اما حالا جنگ و ناامنی‌ها، هم سطح تولید و هم شمار کارگران در این کارخانه را کاهش داده است.

نقیب‌الله حقم در هنگام مصاحبه با اطلاعات روز، صدایش می‌لرزد، چرا که در شرایط بد اقتصادی کنونی مجبور شده است که شمار کارمندان را از ۱۲۰ به ۶۰ تن کاهش بدهد.

آقای حقم هیچ گاهی تصور نمی‌کرد که تیغ ناامنی‌ها، این قدر گلولی صنعت‌گران را در هرات فشار بدهد: «وضعیت امنیتی هرات به‌خصوص شهرک صنعتی خیلی خراب است. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، ما مجبور هستیم که دروازه کارخانه خود را بسته کنیم.»

این صنعت‌گر با صراحت اطمینان می‌دهد که تا آخرین لحظه عمرش با سرمایه خود در افغانستان می‌ماند، اما فعال‌بودن کارخانه‌اش را با وجود افزایش جنگ تضمین نمی‌کند. او اما امیدوار است که روزی به جنگ نقطه پایان گذاشته شود و بتواند دوباره کارخانه خود را احیا کند و برای صدها تن فرصت شغلی مناسب، با معاش بلند فراهم سازد.

احمد سعید عظیمیان در بخش تولید مواد ساختمانی و مواد غذایی صنعتی برای دام و طیور در شهرک صنعتی هرات سرمایه‌گذاری کرده است. هم اکنون نیز حدود ۱۴۰ نفر در گروه تجارتی‌اش کار می‌کند، اما حالا نگرانی کلانی در دل دارد: تبدیل شدن شهرک صنعتی به خط نخست جنگ.

او با اشاره به نزدیکی قول‌اردوی ۲۰۷ ظفر در غرب کشور به شهرک صنعتی و مجاورت میدان هوایی به این شهرک، می‌گوید که این دو مکان استراتژیک دولتی، خطر رویایی طالبان با نیروهای دولتی را در شهرک صنعتی به مقیاس کلان بلند برده است: «شهرک صنعتی هرات از سه طرف زیر محاصره گروه طالبان قرار دارد و شاید جنگ هم رخ

»

نقیب‌الله حقم، صنعت‌گر هشدار می‌دهد که رسیدن جنگ به دروازه‌های شهرک صنعتی به جزء بی‌کاری هزاران تن هیچ سود دیگری در پی ندارد: «ما از هر دو طرف خواهش می‌کنیم که در شهرک صنعتی جنگ نکنند و بگذارند که مردم غریب‌کار بی‌کار نشوند. مردم غریب با کردن در شهرک صنعتی لقمه نانی برای خود پیدا می‌کنند و اگر جنگ شود، این مردم چی‌کار کنند؟»

»

بدهد و خدای ناخواسته این شهرک به میدان نخست جنگ میان حکومت و طالبان مبدل شود.» او همچنین از روزی می‌ترسد که ناامنی‌ها، فرصت را به افراد سودجو مینی بر چور و چپاول امکانات شهرک صنعتی فراهم سازد.

«لقمه نان مردم را قطع نکنید»

اتاق صنایع و معادن هرات می‌گوید که میلیون‌ها دالر امریکایی در بخش احداث شهرک صنعتی هرات سرمایه‌گذاری شده است و براساس آن، هم حکومت و هم طالبان باید از جنگیدن در این شهرک و حتا فاصله‌های دور آن پرهیز کنند.

صنعت‌گران هرات نیز درخواست مشابه از هر دو طرف درگیر جنگ دارند و از آنان می‌خواهند که هیچ‌گاهی به درگیری نظامی در این شهرک نپردازند و هر نوع بی‌پروایی به درخواست آنان، پیامدهای ویران‌گر اقتصادی در پی دارد.

نقیب‌الله حقم، صنعت‌گر هشدار می‌دهد که رسیدن جنگ به دروازه‌های شهرک صنعتی به جزء بی‌کاری هزاران تن هیچ سود دیگری در پی ندارد: «ما از هر دو طرف خواهش می‌کنیم که در شهرک صنعتی جنگ نکنند و بگذارند که مردم غریب‌کار بی‌کار نشوند. مردم غریب با کردن در شهرک صنعتی لقمه نانی برای خود پیدا می‌کنند و اگر جنگ شود، این مردم چی‌کار کنند؟» احمد سعید عظیمیان، یکی دیگر از صنعت‌گران هرات هشدار می‌دهد که در شهرک صنعتی هرات، کوچک‌ترین امکانات حتی در زمان آتش‌سوزی احتمالی وجود ندارد و اصابت یک هاوان و راکت نیز باعث خواهد شد که شعله‌های آتش سر به آسمان برسد.

صنعت‌گران هرات در حالی از آتش‌سوزی به‌دلیل وقوع جنگ میان حکومت و طالبان ابراز نگرانی می‌کنند که به تاریخ ۲۵ ماه دلو سال گذشته، هزاران موتر باربری در گمرک اسلام‌قلعه در یک چشم بر هم زدن سوخت و دود هوا شد و ده‌ها میلیون دالر خسارت بر بار آورد.

در آن زمان هم دیده شد که اطفائیه هرات، کوچک‌ترین امکانات برای مهار آتش‌سوزی در دست ندارد و تکرار این سناریو در شهرک صنعتی هرات به دور از امکان نیست.

خروج سرمایه

یک دهه هیولای ناامنی و آدم‌ربایی در هرات بسیاری از تاجران و صنعت‌گران هرات را مجبور ساخت که یا

تمام سرمایه و یا بخشی از آن را به خارج کشور منتقل کنند. صنعت‌گران و تاجران هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که کشورهای ایران و ترکیه فرصت سرمایه‌گذاری آسان را به آنان فراهم می‌سازند و این باعث شده است که برخی از آنان فرار را بر قرار ترجیح دهند.

احمد سعید صدیقی، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات نیز در وضعیت آشفته امنیتی، از فرار سرمایه و خروج سرمایه‌گذاران به شدت نگران است. او از حکومت و گروه طالبان می‌خواهد که با کوبیدن بر طبل جنگ، بیشتر از این باعث فرار سرمایه از هرات نشوند.

هرات به قطب اقتصادی افغانستان مشهور است. موجودیت صدها صنعت‌گر و تجار و گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی، اهمیت زیاد اقتصادی به هرات بخشیده است. هرات برای بسیاری از تاجران کشور، مکان مناسب برای بلندپروازی بوده است، اما حالا با شدت گرفتن جنگ، سرمایه‌گذاری تاجران از ولایت‌های مختلف کشور رنگ باخته است.

پرهیز از جنگ

هم اکنون بخش زیادی از ولسوالی‌های هرات به کنترل گروه طالبان قرار دارد. صنعت‌گران هرات از حکومت و گروه طالبان می‌خواهند که در نزدیکی‌های شهرک صنعتی هرات از درگیری‌های مسلحانه پرهیز کنند؛ تا سرمایه‌های صنعت‌گران مصون بماند.

حمیدالله خادم، رییس اتاق صنایع و معادن هرات در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «حکومت و طالبان باید برای حفاظت و جلوگیری از سرمایه‌های ملی اقدام کنند و از جایدادهای اقتصادی افغانستان به‌ویژه شهرک صنعتی حفاظت کنند. صنعت‌گران در مورد مسائل سیاسی بی‌طرف بوده‌اند و این بی‌طرفی ادامه دارد.»

اتاق صنایع و معادن هرات روی طرحی کار می‌کند که شماری از افراد را تحت نام «چوکی‌دار» مجهز با سلاح در شهرک صنعتی هرات با هماهنگی پولیس استخدام

زمانی که تروریسم و گروه‌های تروریستی، فزاینده‌تر از مرزهای یک

های جنگ‌جویی از جرایم سازمان‌دهنده تمام کشورها می‌کند. طالبان، هدف آن از جریان‌های یافته فرامی‌توان را در خود مچای مجدد تحریک که توسط انستیتوت و زوال احتمال منطقه جنوب آسیا افغانستان داشته که احیای مجدد به پویایی اوضاع و فت‌وگوی دولت اف

دیده شرح زیر است

پس از شکل‌گیری در سال ۲۰۰۷ به‌عنوان یکی از مرگ‌بارترین

کند، تا از این طریق از میزان فزاینده نگرانی‌های امنیتی شد. این سازمان کاسته شود و جلو گشت و گزار افراد غیر مستول طالبان افغانستان و خونین‌ترین حملات تروریستی

با این وجود، حمیدالله خادم، رییس کنونی از مشهورترین حملات امنیتی در هرات حکومت مرکزی را در راستای امنیت شهرک صنعتی و بلند بردن امنیت شهرک صنعتی و بلند بردن امنیت شهرک صنعتی به کم توجهی می‌دانند. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «در سال ۲۰۱۴ که منجر به بحث کمبود نیروی‌های امنیتی را با حکومت، مگر تلاش‌های مداوم در میان گذاشته، اما مسئولان ارشد به جهت عدم فعالیت ضرب دیگری انجام ندادند.»

رییس اتاق صنایع و معادن هرات به صنعت‌گران هرات احتیاطاً عوامل ذاتی ای می‌دهد که موضوع چور و چپاول احتیاطاً طالبان پاکستان شهرک صنعتی منتفی است و به هیچ‌گونه اجازت‌باین‌شوری انجام کار را نمی‌دهند: «نیروهای امنیتی اطمینان‌آید که این گروه حمله‌ای در بخش تأمین امنیت شهرک صنعتی کلومینک‌نظایر به پاکستان عمد هیچ کس اجازت چور و چپاول را نمی‌دهند؛ گروهی است که در جیلانی فرهاد، سخن‌گویی هرات به روزنامه‌اطلاعات‌آپوکزده شده است. او می‌گوید که نیروهای دولتی با تمام قوه ابرف‌تعیین‌باشد. تحول شهرک صنعتی هرات محافظت می‌کنند؛ طالبان هیچ‌کس را از آن اس

اجازه ناامنی‌ها در این شهرک را نمی‌دهند؛ گروهی است که در ماه اول سال دست‌کم ۲۲ حمله را به عهده قرار دارد.

ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان به روایت‌ها عراق‌آمیز است اطلاعات روز می‌گوید که احتیاط لازم برای جلوگیری از درگیری در شهرک صنعتی هرات گرفته می‌شود: «گزارش‌ها درباره‌ی مسئله نظامی، تحریک طالبان یا مسئولان را آگاه می‌سازیم که در شهرک صنعتی احتیاط گروه‌های متلاشی‌شده‌ی این س لازم را داشته باشند و مشکلات مردم را منوجه‌باشند.»

حدود یک ماه می‌شود که کار ساخت دیوار احاطی در شهرک صنعتی هرات نیز آغاز شده است، اما روند ساخت دیواره نزدیک این دیوار زمان بر است. بر بنیاد آمار رسمی، هم اکنون حدود ۱۰۰ هزار تن، ارتباط با گروه شهرک صنعتی هرات مصروف کار هستند؛ اما این حاکمیت در اصلی‌شان، افزایش ناامنی‌ها که باعث خواهد شد، تأمین این گروه را قادر از کار رخصت شوند.

به‌دست‌آید، تا فعالیت‌های خش

جهی تشدید کند. به همین منظور

است. ت و تمرکز جغرف

ن پاکستان طی

طی تحریک طالبان

جنبته‌ی منطقه‌ای

ا برای این گروه

سیاسی در حال

سی در افغانستان